



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل کلیه قوانین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلسین - اخبار مجلس - انتصابات - آگهی های رسمی و قانونی

سال هفتم

۱ شنبه ۷ مهر ۱۳۳۰

شماره ۱۹۲۸

شماره مسلسل ۱۸۶

دوره شانزدهم مجلس شورای ملی

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۱۸۶

صورت مشروح مذاکرات مجلس روزیک شنبه

۳۱ شهریور ماه ۱۳۳۰

فهرست مطالب:

- ۱- طرح صورت مجلس جلسه ۱۷ شهریور
- ۲- بیانات قبل از دستور آقایان صفائی، تیمورتاش، شوشتری
- ۳- تصویب صورت مجلس جلسات ۱۰ و ۱۷ شهریور
- ۴- بیانات آقای بهادری راجع به برقیق مبانه
- ۵- فرائد نامه دانشگاه راجع به موضوع تبصره ۳۸ ماده ۲ قانون بودجه ۱۳۲۸
- ۶- بیانات آقای فرامرزی بعنوان ماده ۹۰ آئین نامه
- ۷- بیانات آقای رئیس راجع با آقای مشاور وزیر رسد و تنگنراق
- ۸- طرح فوریت لایحه راجع بیکمک مسلولین
- ۹- تعیین موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس ساعت ۹ و پنجاه دقیقه صبح بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید

۱- طرح صورت مجلس (جلسه ۱۷ شهریور)

رئیس - صورت فائین جلسات پیش خوانده میشود (شرح زیر خوانده شد)

شعبت و دیر آمدگی آقایان نمایندگان در جلسه یکشنبه ۱۷ شهریور ماه ۱۳۳۰ فائین با اجازه - آقایان یوسف شکرائی، محمودی، یالیزی، اورنگ، منصف صاحب جمع، نظری، اسکندری، دکتر هدایتی، دکتر کاسمی، فراگرو، عضد نظری، دکتر شایگان، طباطبائی، بهادری، حبیبیه، موقر

فائین بی اجازه - آقایان، خاکباز صفوی، مکرم، هرب شببانی، عزیز اعظم

زنگنه، عباسی، مرتضی حکمت، دولتشاهی، نصرتیان، شوشتری، محمد علی مسعودی، خسرو قشقائی، سنندجی، تولیت، اکبر، فلامرضا فولادوند، ابتهاج، تیمورتاش، صفائی، افشار، قرشی، قاسم فولادوند، نثار الاسلامی، سلطان الملک، عماد تربقی، محسن طاهری، حاذقی، سودآور، دکتر راجی، بیراسته، امیر انشاری، رستم گیو، آزاد، جمال امامی، صدر میرحسینی، خزیمه علم، آبکار، دیرآمدگان بی اجازه - آقایان، ارباب دوساعت، پناهی یکساعت، غیبت و دیر آمدگی آقایان نمایندگان در جلسه یکشنبه ۲۴ شهریور ۱۳۳۰ فائین با اجازه - آقایان، شکرانی

یالیزی، نظری، موسوی، صفوی، منصف طاهری، آصف، صاحب جمع، سر تیب زاده، قننقزی، گنجی، طباطبائی، خزیمه، علم، بهانی، آبکار، سالار، بهزادی، کورغانی، فائین بی اجازه - آقایان، تاکرازی، مکرم، هرب شببانی، عباسی، دولتشاهی، موقر، نصرتیان، شوشتری، محمد علی مسعودی، خسرو قشقائی، سنندجی، تولیت، فلامرضا فولادوند، ابتهاج، تیمورتاش، صفائی، افشار، فراگرو، پناهی، نثار الاسلامی، قاسم فولادوند، عماد تربقی، حاذقی، سودآور، هراتی، بیراسته، امیر انشاری، کعبه، حکیمی، رستم گیو، آزاد، جمال امامی، صدر میرحسینی، مدین زاده، سلطان، عزیز اعظم، زنگنه

رئیس - نسبت بصورت مجلس نظری نیست؛ آقای نبوی

نبوی - آقای منصف نماینده محترم بیش از دو هفته است که بیمار و بستری هستند و قادر به حرکت نبودند و اگر در این دو جلسه حاضر نشده اند به علت کسالت فوق العاده بوده و گواهی پزشک هم تقدیم خواهند کرد و نظر خاصی از نیامدن نداشته اند

رئیس - ایشان اجازه داشتند با اجازه نوشته شده اند، آقای شوشتری نسبت بصورت مجلس نظری دارید؟

شوشتری - بسم الله الرحمن الرحیم چون نطق خواهیم کرد و در وهله سوم نوبت بن خواهد رسید و برای ضم رامیکم فعلا خواستم عرض کنم این دو جلسه را که مرا غائب بی اجازه نوشته اند روی آئین نامه بی اجازه بودن و غیبت کردن باید روی اصول باشد ما دسته جمعی بمقام ریاست مجلس شورای ملی و بنده منفرداً بالاخص شرحی عرض کردم که مانعیت نداریم و معتقد نیستیم که مجلس را بحال تعطیل بکنیم ما هم مثل دوره ۱۴ که سه ماه مجلس آن صورت را گرفت و آن فجایع در آذربایجان در اثر آن تعطیل مجلس پیش آمد و چون ما در

ارباب و اخاه و تهدید بودیم و ناسزا فحاشی و هرنسبت دزدی و خیانت اجنبی پرستی بمادادند بشما نوشتیم که ما مانع از آزاد و امنیت برای مان حاصل نشود ما در مجلس حاضر نشویم - این نوشتن دلیل بر تحصیل اجازه است یعنی ایجاد امنیت از طرف مقام ریاست که مسئول حفظ حیثیات نمایندگان و مصلحت مجلس و مشروطیت ایران است، برای آن بوده و شما در نامه پر که بمامرقوم فرموده بودید و اعتراض میکند بمن نبود بهمه بود، فرموده اید من در این محیط آزادی نطق و خطابه را برای شما تضمین کردم بناه علیه ما مارا نمیتوان فائین بی اجازه خواند، بلکه استثنایست و باید اصلاح بفرمائید (صاحب جمع است - اجست) رئیس - این نظر نسبت به ۴ نفری که نوشته اند که از حضور خودداری کرده اند طور دیگری عمل میشود البته در هیات رئیسه نسبت باین اشخاص تصمیم آنها می شود، اگر غیر از این ۱۴ نفر نسبت بشیبه خودشان نظری دارند بفرمائید آقای ارباب ارباب - در جلسه اسبق اسم بنده در دیر آمدگان بی اجازه درج کرده اند در حالی که مجاز بودم، بعرض جناب آقای رئیس هم رسانده بودم، مندموجه داشتم رئیس - شما اجازه داشتید بفرمائید آقای صفوی

صفوی - بنده را غائب بی اجازه نوشته اند در صورتی که شرحی بمقام ریاست نوشته بودم و استدعا کرده بودم و غائب نبودم خواهش میکنم چون غائب نبودم دستور بفرمائید اصلاح نمایند

رئیس - آقای شهاب خسروانی

شهاب خسروانی - یک تلگراف با مضای طلبات مختلف بطرف قداری آقای د کتر مصدق رسیده که تقدیم میکنم رئیس - راجع بصورت مجلس گفتند اگر نظری دارید بفرمائید، آقای فقیه زاده فقیه زاده - بنده خواستم عرض کنم در این دو جلسه بی که آقای صاحب جمع نبودند و ایشان را غائب بی اجازه نوشته اند خواستم بعرض مقام ریاست برسانم که آقای صاحب جمع مریض بودند نه غائب

رئیس - قبلاً ایشان اجازه داده شده اغلب اجازه داده شده و آقای صاحبجمع هم جزو آن ۱۴ نفر نبودند و غالباً با اجازه هستند. دیگر اعتراضی نیست؟

امامی اشرفی - اطلاع کافی نیست جناب آقای رئیس.

رئیس - البته میدانم صواب صورت مجلس پس از اینکه اکثریت برای رای شدن اعلام میشود.

۲ - بیانات قبل از دستور آقایان صفائی - تیمور

تاش - شوشتی
رئیس - آقای صفائی

صفائی - بطوریکه آقایان نمایندگان معترم استحضار دارند جناب آقای دکتر مصدق در مجلس شورای ملی ضمن نطق تهدید آمیز خود درخواست نمودند مخالفین دولت ایشان بدون واهمه از سنک و چوب و چماق و فوجش که برای آنان تدارک دیده اند از پشت تریبون مجلس دلائل مخالفت خود را بیان نمایند. شهادت آقایان بنده هر وقت فرصتی بدست آوردم با کمال اختصار انتقاداتی که بر روش و سیاست دولت آقای دکتر مصدق داشته‌ام بیان کرده‌ام ولی اکنون که مشاهده می‌کنم دستگانه تبلیغاتی دولت روزنامه‌هایی که هزینه آنان از مجرای تعاون عمومی یعنی صدقه فقرا تأمین می‌شود و مبلغین و دروغ پردازان و شاعران مکتب گویا که اخیر در این دولت جان تازه‌ای گرفته‌اند برای فریب ملت ایران و القاه شبهه در آستان بهر وسیله نامشروع و نامردانه توسل جست و دیوانه‌وار می‌خواهند مردم این کشور را بهک و خردن بکنند لازم دیدیم با کمال وضوح دلائل مخالفت خود را باروش این دولت با اطلاع نمایندگان معترم و ملت ایران برسانم و نظر باینکه آبادی این دولت اشتباه کاری و دروغ سازی را بجای رسانیده اند که هویت اشخاص را دیگر گون جلوه داده و حتی بانام که عبدالعصاحب است و افتخار بندگی امام دوازدهم حضرت صاحب الامر را بن می‌بهدد با کمال بی شرمی از در شوخی و مزاح در آمده‌اند تا اگر بزرگواران را به رویه وعادت خود که همواره از خود ستایی و خود ستایی برهیز داشتند اندکی وقت عزیز آقایان را بحرقتی خود اذیت کنیم تا همه بدانند من که با این دولت مخالفت می‌کنم کیستم و از چه خانواده ای برخاستم و سپس رتوس دلائل مخالفت خود را بادولت آقای دکتر مصدق بر عرض آقایان برسانم، جد باینکه من مرحوم حاج ملاصدق‌زمان سواد کوهی الاشتی را مرحوم صفائی - نه بفرمائید آقا) و فقط به قرابت

و دارالترجمه ناصرالدین شاه در کتاب التذوین فی احوال جبال شروین چنین معرفی می‌کند (حاج ملاصدق زمان سواد کوهی الاشتی عالمی تحریر و فاضلی غیر و منبجری جامع و مقدامی باوع است و در فنون فضایل و صنوف کمالات و علوم عقليه و نقلیه و حفاظت و دقائق و اسرار حکم و هندسه و حساب و غیرها فصب الحین نور است و از عکرم اخلاق و صفات حسنه و تحریر و تفریرش در انجمن دانایان سخن است) اعتماد السلطنه پس از شرح مفصلي که از دوران تحصیل و اساتید و مسافرت‌های او که سه بار سفر به مکه و یک سال مجاورت در مدرسه متورمه نموده و همچنین از ریاضات سخت او که نتیجه این است که هرگز در بستر راحت نمی‌خوابد نگاشته می‌نویسد (سخی ترین مردم زمان خوش خوی و مهربان سالک طریقه رئیس التوحیدین و یکی از اقطاب زمان است) و اما پدرم مرحوم شیخ محمدعلی یکی از اساتید مسلم عالم روحانیت و از مراجع تقلید درسائهای اخیر بوده و بسیاری از علماء فعلی در حوزه درس اوچه در سمره و چه در نجف و چه پدرم کسب فیض و علم نموده‌اند و هم امروز تصانیف طبع شده او در علم فقه و اصول از کتب درسی و مورد استناده طلاب و فقهای عصر است و برای اطلاع از مقام علمی و درجه زهد و تقوی مرحوم پدرم بهتر است از حضرت آیت الله کاشانی که از معزز در درس استفاده علمی و از خرمن فضائل خوشه چینی کرده‌اند استنوار شود. امامن چون در شب مبارک نیمه شعبان سال ۱۲۷ قمری یعنی در شب تولد ولی عصر و صاحب الزمان روحی فداه در سمره متولد شده‌ام پدرم مرا بنام عبدالحق نامیده‌است برای آنان که بیو ملقب حق چغری هستند و از امامن حی و غائب خود حضرت صاحب الامر پیروی می‌کنند لازم نیست که هلت انتخاب این نام را ذکر کنم و به آنها بیکه مذهب و دین خود را مانند لباس عوض می‌کنند و یک روز در کنیه بهود و روز دیگر در کلبای نصارا و گاهی در حضره القدس بهائیت بزمیرند و کار بی پروائی و هرزه درانی را به جانی میرسانند که بنام دشمنی بامن نام مقدس ائمه هدی عليهم السلام را شیطان صفت تصحیف و تلبیس می‌کنند کاری ندارم خود می‌دانند و هرچه دل تشنگان می‌خواهد بگویند. پس از تحصیل مقدمات به نجف اشرف رفته در حوزه درس آیت الله اصفهانی و بسیاری از علماء معاصر و همچنین قم در حوزه درس مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم به تحصیل پرداخته‌ام و از این هردو بزرگوار اجازه روایت و تدریس و اجتهاد را دریافت کرده‌ام که خواندن متن آنها باعث خستگی آقایان معترم را فراهم می‌کند (دکتر صفائی - نه بفرمائید آقا) و فقط به قرابت

و مرحوم جمشیدی را از صف نایب درگان خارج سازند خلاصه من هم منتهای در زمین پس برده‌ام و چون آقای دکتر مصدق ظم ناگوار اینگونه مصائب را چشیده‌ام پس از شهریور ۲۰ مثنی سیاسی من این بود که با هر دسته و جمعیتی که بر علیه استعمار خارجی و استعمار داخلی مبارزه می‌کرده همکاری می‌نمودم و تا آنجا که این گونه جمعیت‌ها بر حسب علم و اطلاع من آلات اغراض بیگانگان نبودند در راه سعادت و بیداری خلق و برکنند ریشه‌های فساد و کورگساختن دست مزدوران و عوامل اجنبی از دستگاه‌های دولت فدا کاری و مبارزه کرده‌ام و بالاخره با وجود مخالفت‌های شدید و علنی دولت وقت از طرف مردم مازندران که خدمتگزاری‌های صادقانه مرا از نزدیک و در مواقع بحرانی و سخت دیده بودند بشاید کمی دوره‌شان زده‌ام انتخاب شدم (دکتر بقائی - از حزب توده هم بفرمائید) آنرا شما بفرمائید از آقای صالح که حزب توده و دمکرات را خوب می‌شناسند استفسار کنید. و اینک با کمال افتخار از پشت این تریبون بحق شناسی مردم رشید مازندران و موکلین باوقای خود سر تعظیم فرو می‌آورم.

رئیس - آقای صفائی وقت شما تمام شده.

صفائی - آقای رئیس ه دقیقه اجازه بفرمائید.

دکتر کاسمی - آقای رئیس سه دقیقه از وقت باقیست.

رئیس - کمی می‌گوید سه دقیقه دیگر باقی است؟ نامل بفرمائید رأی گرفته شود.

(در این موقع همه برای رأی کافی شد)
رئیس - آقایانیکه موافقت ایشان بنجد قیقه صحبت کنند قیام بفرمائید (اکثر برخاستند) تصویب شد. بفرمائید.

صفائی - تشکر می‌کنم از لطف آقایان.

این مختصر از سوابق زندگی خود را برای این بااستحضار آقایان معترم رسانیدم که مردم منصف و بی‌فرض بتوانند درباره من که یکی از مخالفین دولت آقای دکتر مصدق هستم با بصیرتی کامل و دور از کفتار مغرضین قضاوت نمایند.

و اما دلائل مخالفت با دولت آقای دکتر مصدق را مختصراً بر عرض میرسانم.

ولی متأسفانه قبل از آنکه من و آن مرحوم توفیق حاصل نمایم بدخو امان شاه تحصیل پرداخته‌ام و از این هردو بزرگوار اجازه روایت و تدریس و اجتهاد را دریافت کرده‌ام که خواندن متن آنها باعث خستگی آقایان معترم را فراهم می‌کند (دکتر صفائی مخالف با ملک داری اعلیحضرت است و جمشیدی از نظریات او پشتیبانی می‌کنند مرا بهرمان تبعید و زندانی کنند

زندگانی اجتماعات را نیز بر باد و متلاشی می‌نماید.

بنابر این احوال و اظهاره با کمال صراحت می‌گویم که من نمی‌توانم بر مامورهای اشخاصی معتقد شوم که با احساسات بیش از منصف و دلیل ارزش می‌دهند.

زیرا سر نوشت یک ملت را نباید تابع احساسات نموده‌ملی که چنین کرده‌اند هیچ‌گاه روی سعادت را ندیده و حتی بعد اقل آمال و آرزوی خود نرسیده‌اند بنا بر این مقدمه زمانداری آقای دکتر مصدق را در این موقع حساس که احساسات عمومی به‌بجانب آمده است و خود سرمشاهه آن بوده‌اند مناسب نمی‌دانم و از این گذشته پس از تشکیل دولت و انتخاب همکاران متوجه شدم که آقای دکتر مصدق که برنامه اش فیصله دادن به مهم نفت و بر آوردن آرزوی ملت ایران یعنی ملی ساختن نفت است اکثریت دستیاران او اشخاصی هستند که سابقاً در وزارت حکومت کرده و بارها شاغل مقام وزارت یا پستهای حساس دیگری بوده‌اند و همین دستگانه نفتی که آقای دکتر مصدق با آن به مبارزه برخاسته است همکاری کرده‌اند با اینوصف و باید اینک شاید موافقتی بدست آید سکوت را بر مخالفت جدی ترجیح داده و منتظر هوائی کار شدم ولی متأسفانه هرچه از عمر کابینه آقای دکتر مصدق می‌گذرد معایب و مفاسد امور ظاهر و روشنتر می‌گردد که لاجل مخالفت جدی و علنی بر خواسته‌ها از این راه وظیفه وجدانی و نمایندگی خود را انجام داده‌باشم و مانند بعضی بلحاظ حفظ وجهات و بر خلاف عقیده واقعی سکوت نکرده‌باشم.

آقایان آقای دکتر مصدق بیوسه اظهار می‌داشتند منظوری جز اجرای قانون ملی شدن نفت و اصلاح قانون انتخابات ندارم اکنون چه شده که برخلاف گفته سابق خود دست با انداماتی زده که باعث تشنج مجلسین اقتصادی و ترفی کالاهای نداشتن ارز وارداتی گردیده است ایشان مکرراً اظهار داشته‌اند از هر عملی که باعث تشنج و تأخیر اجرای قانون ملی شدن نفت است خودداری می‌کنم ولی امروز بهر عملی که باعث تشنج و تفرقه است دست می‌زنند با مجلس به تند و تهدید و تحقیر رفتار می‌نمایند از انجام تقاضای مشروع نمایندگان سرپیچی می‌نمایند روز نامه های منتسب به دولت از هیچ‌گونه نقاشی و هنک حرمت نمایندگان برهیز نمی‌نمایند آری این رویه دلالت بر این ندارد که آقای دکتر مصدق از ادامه زمانداری منصرف و از اجرای قانون ملی شدن نفت عاجز می‌خواهند باین وسیله نمایندگان را مصیبتی و موجبات بر کناری خود فراهم نمایند؛ مقصودم از این بیان این است که آقای دکتر مصدق خود شخصا متوجه شده‌اند که با احساسات تنه و ورور از متعلق نمی‌توان

می‌کنند تا اداره نمود و امروز در عوض اینکه با ثبات و شجاعت حقایق را اظهار می‌دارند در مقام اجابزی و کار شکنی بر آمده و دفع الوقت و ملکت را بطرف متواضعی سوق می‌دهند بهر تقدیر اکنون نتایجی که از روش دولت آقای دکتر مصدق در اجرای قانون ملی شدن نفت برای ملت ایران بدست آمده است فهرست وار معروض می‌دارم زیرا به تفصیل و توضیح نیازی نیست اولاً دستگانه عظیم نفت خوابیده و در آینه دولت از این راه‌هاز این رفته است تا نایب ماهیانه بالغ بر دوست میلیون ریال هزینه کارگران بیکار شرکت سابق نفت تحویل بر بودجه کشور گردیده است که ابداً مجلسی برای پرداخت آن نداردیم ثالثاً تقریباً با یک شرکت مبدل به طرفت با دولت انگلستان گردیده‌ام با دولت امریکارا بدست خود وارد در این معرکه نموده که در نتیجه آقای هریس رسماً بر علیه ما تبلیغ می‌نماید آقایان بزرگترین اشتباه سیاسی حکومت حاضر مداخله دادن آقای هریس در موضوع نفت است آقایان انتشار نامه آقای دکتر مصدق بآقای هریس و پاسخ آقای هریس که همه ملاحظه فرموده‌اید بزرگترین ضربت بین‌المللی را در این موقع حساس بر بیکر ملت ایران وارد آورده است ما که می‌خواستیم از مداخلات شوم سیاسی یک دولت خارجی برهیم چرا و به چه جهت دولت دیگری را بعنوان واسطه در کارهای خود مداخله‌دهیم که نتیجه آن دریافت چنین نامه تحقیر آمیزی باشد یکی دیگر از نتایج روش غلط دولت آقای دکتر مصدق در موضوع نفت صدور فرار دیوان داوری لاهه است که احتیاجی بتوضیح زبان آن ندارم اینها همه نتایج سیاست دفع الوقت و دست بدست مابین است که عاید ملت ایران گردیده و مطمئناً روز بروز مفاسد امور افزوده تر می‌شود و مطمئناً بحران اقتصادی و ترفی کالاهای نداشتن ارز وارداتی با عتراف خود آقای دکتر مصدق ما را در پیشگاه خصم برانو در می‌آورد و این همان آرزوی نهانی شرکت سابق نفت است من متقدم دولت دکتر مصدق نمی‌باید موضوع را بهما کرات بی نتیجه بجایی بکشاند که شیرازه امور سیاسی و اقتصادی ما از هم بیاشد بنظر من اصلاحات استفاده از تأسیسات نفت خیز بهتر از این حکومت رسوخ نکرده همیشه در عرض این پنج ماه در انتظار تسلیم شدن انگلستان بوده و هستند و در باره این موضوع که شاید ایشان تسلیم نشوند فکر و چاره‌ای نیاندیشید که از وسائل دیگر برای جلوگیری از شغل بیکاری و بیکار انداختن تأسیسات نفت و استخدام کارشناسان معرب دیگر استفاده نماید آقای دکتر مصدق باید فرض کنند اولتیماتوم خود را بانگلیسها داده و پانزده روز از

تاریخ آن گذشته و کارشناسان هم رفته‌اند باید تصمیم گرفته باشند و نقشه‌های کشیده باشند که در این صورت چه کنند و بالاخره برنامه بیکار انداختن تأسیسات نفت را تنظیم نموده باشند ولی ما می‌دانیم که چنین کاری نکرده و پنج ماه از هر گز این خرد را به امید تسلیم انگلیسها گذرانده‌اند آقایان اگر ضرب الاصلی برای همکاری با متخصصین نفت و شرکت سابق و با دولت انگلستان لازم بوده است امروز نیست باید در روز عمل را انجام میدادند تا فرصت از دست نرفت و احساسات عمومی ملل آزاد پیر لایه ما تحریک نشدند در این چند روزه بعضی از من پرسیده‌اند که نظر اقلیت مجلس در موضوع نفت چیست پاسخ من این بوده است که دولت باید برنامه صریح و مشخصی در چگونگی استفاده از منابع نفت داشته باشد تا ما بدان رأی داده‌و از دولت پشتیبانی بکنیم تنظیم برنامه دولت از وظائف مجلس نیست این دولت است که باید بگوید چه می‌خواهد و چه می‌کند دولت باید بگوید پس از خلق بد چه راهی برای بهره‌برداری و استفاده از منابع عظیم نفتی ایران در نظر گرفته است آقایان چون دولت برنامه مشخصی در این زمینه تنظیم ننموده و از خلق بد مورد اوجاز ضرر روزیانی عاید ملت ایران نکرده‌اند نمی‌توانم با چنین دواتی موافقت کنم.

آقایان این نتیجه اعمال دولت رژیمه اجراء قانون ملی شدن نفت است ولی در سایر امور وضع بدتر سیاست و امنیت عمومی بکلی متلاشی و از بین رفته است دولت آنچه در قدرت داشته است برای تحریک احساسات عمومی بر علیه مخالفین خود بکار برده و با اهرام منتظر الم کاله‌ها باستانها شهرستانها را دستخوش اغتشاش و هرج و مرج نموده است روزنامه‌های منتسب بدولت دست بفحاشی و متخاصی و ارباب هولناکی زده‌اند رسماً مردم احساسات را دعوت بقتل و کشتن مخالفین خود می‌نمایند بطوریکه امروزه همه زبانی از آقایان نمایندگان خطرات آتی و عقوبات وخیمه این سوء سیاست را احساس می‌کنند ولی به ملاحظه آبرو و از ترس هو و جنجال دم فرو بسته و صدائی از آنها در نمایندگی ما جان خود را بکف دست گرفته و باقیبت حیثیت و آبرو بزرگترین فداکارها را انجام می‌دهیم و بخواست خدا دست‌غیبی که همیشه حافظ و نگهبان ایران بوده است امپدوارم کشور و ملت ایران از خطر عظیمی که روز بروز شده است بنبوی و سر فرازی برهد (صحیح است - انشاء الله)

فرامرزی - و کلاسی که بیشتر از شما می‌ترسند که با هستند؟

صفائی - آنها معرفی شان لازم نیست. مثلشان معروف است.

دکتر بقائی - ولی آن دست‌غیب در کمال سوزن قطع شده دیگر با اینجا نخواهد رسید.

پیراسته - انشاء الله که قطع شده باشد.

دکتر بقائی - شده. مضین باشد.

رئیس آقای تیمور تاش

معترم استدعا می‌کنم که بر ما خرده نگیرند اگر یک قدری بفرمودم می‌بپردازیم و از خودمان دفاع می‌کنیم. حقیقت اینست که سبیل افترا و تهمت و تاسزا بعدی در این مدت بطرف ما سرازیر شده که میخواهیم در این زمینه افلا آبادی از بهران و گذشتگان مان نشان بدیم که کی هستیم و چه هستیم.

اگر همکاران گرامی بخاطر داشته باشند چندی پیش از پشت همین تریبون عرض مجلس شورای ملی رساندم که باید نظریات خود را در خصوص نفت بسمع ملت ایران برسانم ولو آخرین روز هم سیاسی من باشد.

احساس می‌کنم آروز فرا رسیده و اکنون می‌خواهم از پیشگاه مقدس مجلس شورای ملی استدعا کنم بن اجازه فرمانده آنچه در بر است چون آتش سوزانی در اعقاب قلبم نهفته بود بر زبان آورده و سپس از معزز شما همکاران ارجمندی که نزدیک به دو سال مرا مشمول عنايات خویش فرموده‌اید مرخصی طلبم

زیرا در پایان عرایض استغای خود را از نماینده گی دوره شانزدهم تقبیه تقدیم مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی می‌دارم بیاس این همکاری و انس و الفت و بهوان تودیع دوستانه از حضور مجلس می‌دارم.

یکی آنکه بر من منت نهاده اجازه فرمانده عرایضم پایان پذیرد و وقت را از من دریغ فرمایند و دیگر آنکه حتی بقدر از ابراز احساسات و علیه خودداری فرمانده اگر چه صدائی دولت خالی است و میخواستم خواهش از آقای دکتر فاضلی بکنم چون نیستند امیدوارم بسمع شان برسد یعنی می‌خواستم از آقای دکتر فاضلی استدعا کنم که مقرر فرمایند برخلاف معمول تمام عرایضم در داد و بخوانده شود تا ملت ایران از آخرین دفاع من مستحضر و آگاه گردند کوا اینکه نمی‌دانم این تقاضای کوچک و مشروع من پذیرفته نخواهد شد (شوشتی - این تملیق به حال است) انحصاری است) نمی‌دانم حدیث و نامه چون است ولی دانم که آغازش بخون است اگر امروز ملت ایران فد مردانگی

افراشته و استیفای حقوق حق خود را از يك شرکت غاصب مستكر استعمار طلب می‌خواهند و برای نیل باین منظور مقدس پای جان ایستاده دست هیچکس را پیش در عقب نازیک و هولناکی خون یکی از فرزندان پاک نژاد همین ملت بجز همین گناه و یا شقی‌ترین نسوی بیای خدایان نقت حاضر نشد و برای نقت زیاده‌شده

میتاق من و توای ملت ستم‌بده و رنج کشیده ایران برای قلبه برانده نگاه آدم کش غارت گرازان شب‌آواز گردید با خود عهد و پیمان کردم که در راه اعتلای تو در راه رهائی تو در راه آزادی تو از چنگال مهیب استعمار تا پای جان بایستم و اکنون بشما آقایان معترمان طمیان می‌دهم که با همان صراحت لهجه همیشگی آنچه در دل دارم بر سر رسانده و آن‌گاه از معضرتان معترمان مرخص شوم.

میروم نه از این جهت که ترس روحش داشته و یا از آزارها و تهدید مخالفین خود هراسناکم نه از این جهت که از مبارزه بازمانده می‌خواهم کج هزلت گیرم نه از این جهت که جان نا چیز را مانوق مصالح کشور پنداشته برای حفظ آن میدان را خالی می‌گذارم بلکه میروم تا بدینوسیله بآن تنگ چشمانی که برای بیکروز و کالت حاضرند دنیائی را بهاک و خون کشند ثابت کنم که مبارزه من هندی عظیم‌تر بزرگتر و رساتر از جاه و مال و مقام و منصب دارم میروم تا آن‌گاه دینار و درهم را معرک زندگی خود می‌دانند بگویم این خان یمنائی که شما فرض می‌کنید برای ما گسترده‌اند از آن خودتان باشد میروم تا پانهائی که مدعی هستند برای وکالت با بیگانه بسته و خود را مزدور اجنبی ساخته و آبروی چند صد ساله خود و خاندانم را در کفه ترازوی پول و رشوه و اتمومیل انداخته‌ام بفهمانم که می‌توانم از این جمله صرف‌نظر کنم زیرا اتمومیل بیکر از سفارت باید کسی باشد که از آغاز طفولیت چشم با تومبیل نکشوده

میروم زیرا سبیل تهمت و افترا فحش و ناسزا چنان بهترین احساسات را مجروح ساخته و اما ما بما را در هم شکسته که حتی بدوستان و فامیل سرچنگ و سبزی دارم و یکی را بعد از دیگری از خود رنجانده و دور می‌سوزم.

شاهد بارز من دوست عزیزم فرامرز است که امروز با پدر و کالت فردا در صف موافقین دولت قرار گرفته و چه در روزنامه فروگذار نمیکنند

میرم چون کارها کی و فعاش بجائی رسیده که دیگر از حدود انتقاد و حتی تهدید بقتل گذشته و بزین مرد خانواده من پیروده روزنامه من ابقاه نمیکنند

گرچه خود از این گله خرم دارم

ولی برای آنکه ملت ایران با داند بازار هتاک می‌گردد است میگویم.

میروم زیرا ورق باره هائی که در کمال وقاحت خود را آینه افکار ملتی میدانند که برای احقاق حق خود نیام نوده از من گذشته و حتی با مرد دختر مرحوم ضدالمملک نایب السلطنه ایران پرداخته از هیچ اهانتی فروگذار نمیکنند

میروم زیرا پسران من که در طی صد سال مزد داری ایران را بر هده داشته و سینه خویش را سیر تیر بلاجانب ساخته اند در برابر از این بیشری‌ها بر خود مبارزند.

چقدر جای اندوس است که این بازار آشفته در زمان حکومت کسی به وجود آید که خود از خانواده های معترمان این کشور بایید بعضف نومیس خانواده کی بایستد باشد.

جناب آقای دکتر مصدق بقول خودتان رفیق چهل ساله پدر و پدر بزرگم چه حرف که ابادی آن جناب من و خانواده ام را جیرخوار خوان نعمت نقت دانند و زنان زاده سفارت انگلیس خوانند (نقبه زاده - این صحبتها خوب نیست) (شوشتری - ساکت شو آقایان نمی‌گذاری حرف بزنند) باکاش اندکی بعقب برگشته و بیستیم مایبنت من با بهمان فتوی قتل من قناعت میشد تا امروز مجبور نبودم مهر سکوت را در دم شکتم

من نمی‌خواهم رجز خوانی و مدیحه سرائی کنم فقط همین اکتفا میکنم که بگویم چند روز پیش جناب آقای نخست وزیر از پشت همین تریبون فرموده بودند یک ایرانی اصیل پیشهاد بین المللی ساختن خرید نقت بمن داده است من آن ایرانی اصیل را امروز بشما معرفی میکنم وی شاهزاده خسروانی است که در قوفای فرار داد ۱۹۳۳ بجز وطن پرستی و چهار سر پنجه شهر بائی وقت شد

بروید و استنطاق های و پرا بخوانید بروید و ببینید در همان هنگام این مرد بنام معنی اصیل چه گفت

(آشتیانی زاده - این تقدیر پیشوا است که گریه می‌کند و همه هم گریه شان میکنند) (شوشتری - فرق است بین حق و باطل آن دروغ است و این راست)

متشکر آقای آشتیانی زاده اینرا من نگفتم ام بلکه شخصی اظهار می‌کند که بر فرادی خود در امان نیست بروید و ببینید چند صد هزار لیره بیدرم میدادند که فقط خود را از میدان نقت کنار بکشد ولی او نه بگفتن بلکه علنا تا پای جان برای استیفای حقوق ملت ایران ایستاد من استدعا می‌کنم اوراق استعظائی آقای خسروانی را بخوانید (اگر ههزانی همین

امروز آنها را ازین ببرد) و صدق مریاضم را در بایید.

آیا حیف نیست که امروز نتواند حتی برستی و مهر جاسوسی بر ما زنده چرا؟ مگر ما چه گفتیم

من بیرونی از گشتگان خود امروز مخالفت با سیاست‌های استعماری را شروع کردم که هنوز کسی جرئت نفوه آن را نداشت.

من آروز با يك شرکت غاصب ستیگر خارجی در اتمام که هنوز کلمه انگلیسی مترادف بنا بیگانه پرستی نگردیده بود

بروید مذاکره دوره چهار دهم را ملاحظه کنید بروید صفحرات روزنامه رستاخیز ایران را ورق زید تا ببینید ما از کی و کجا این مبارزه مقدس را شروع آغاز نمودیم.

چرا کدام عقل سقیم قبول می‌کند آزمانی که قهرمانان امروز نقت که هر يك بشعوی از اناها سفره گسترده کام می‌گیرند حتی ازین نام شرکک بیم داشتند من و خانواده ام در این مبارزه پیش قدم باشیم و امروز که ملتی برای احقاق حق خود قیام نموده علیه جریان طبیعی شنا پنهانیم نوکر اجنبی، فروخته بیگانه، جاسوس انگلیس و خائن بایران قلم روییم اندکی بعقب برگشته و بیستیم مایبنت من با قهرمانان کنونی نقت از کی و کجا است

آقایان گرام بخاطر دارند که تا نخست وزیر جناب آقای منصور موضوع نقت حدت و شدت کنونی خود را نداشت جنگی در پی راه حل معنوی بودیم

در کابینه مرحوم رزم آرا هنگامیکه می‌خواستند لایحه را از دستور خارج نمایند او این کسیکه بمخالفت شدید برخاست من بودم زیرا از همان اوان عقیده مند بوده هستم که مجامله کاری و اتلاف وقت در مقابل حریف کهنه کار مسلما بر زبان ملت ایران تمام میشود بهمت همه آقایان که بیستون نقت تشکیل شد کار از دست دو تنها خارج و به همه مجلس افتاد

منهم بحکم هلاک دیرین با تفاق دوست عزیزم آقای صد سود آور پیشهادی دادیم که همان روز نسخ هدیده ای از آنرا ماشین نموده منتشر کردیم

از همان اوان يك حس لجاج و عناد خاصی برای ما مشهود بود عاقبت با ادای نطق قبل از دستور اجازه توضیح گرفتیم - بیانات من و جناب آقای دکتر مصدق هر دو در صورت جلسات کمیسیون نقت هست پس از آنکه جناب ایشان استدلال فرمودند که بگانه راه افاه قرار داد منصور ۱۹۳۳ اعلام ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور می‌باشد بنده هم متقاعد گردیده و بعنوان بهترین حربی برای نیل باین منظور مقدس با قانون ۲۹۱۳۲۹ را بطبع خاطر رای دادم ولی آقایان معترمان

میدانند و پوشیده و پنهان شده نمیتوانم که با ماده اجرایی مغالط بودم و بدان روی عدم آغاز اختلاف نظر ما از اینجاست من آروز خواستم دلایل مغالط خود را بیان کنم ولی رای مطاع مجلس بکفایت مذاکرات مجال صحبت نداد ولی بعنوان پیشهاد ملت ایران را از مشکلاتی که در کشیش نشسته اند کی آگاه ساختیم و گفتیم از آنجائی که بشر جای الخطا است با احتمال اشتباه هر قدر هم ضعیف و ناچیز باشد بهتر است مجسده ایران یعنی آخرین سنگر و پناه ملت را پیش از حد لزوم در این گیر و دار مداخله ندادند هیئت مختلط را از میان افراد میرزا خارج از مجلس انتخاب کنید.

این ذلیلان نفرو گناه غیر قابل بخشش من بود این درسی است که سفارت انگلیس بن داده و با نابل رشوه و پول و اتمومیل خواسته است برخ مردم کشم.

از علل دیگر مغالط خود با ماده می‌گذرم زیرا بدبختانه هر روز پیش بینی های من بطرز هولناکتری در برابر ملت ایران نمودار می‌گردد از تمهیدات یکجانبه که ناظر بر مقدار بهره برداری استخراج و فروش بود می‌گذرم مدت نامحدود حق تقدم و اثرات آنرا می‌گذرم فرامانی را که باید از این ملت بدبخت با هزاران خون دل گرفته و بصرف سیاست جدید صنعتی انگلستان دائر بر برآکنه گی واحد های صنعتی و بوجود آوردن دستگاههای مستقل کوچک بجای آماج های بزرگ هوایی برای تخفیف خطر ببارانهای دامنه دار هست می‌گذرم زیرا برای هر يك باید فصلی جایده باز نمود.

بهر تقدیر جناب آقای دکتر مصدق شرط قبول زمامداری خود را در یکی از خلیفترین دفاع کشور تصویب مواد نه گانه قرار داده و اجرای آنها را تقبل فرمودند و حال آنکه چون جناب ایشان بخصاص من حیث رئیس دولت مأمور مذاکرات بودند شایه هر گونه سوء ظنی منتفی و برانسته بادست بازتری وارد میدان شوند تا امروز دنبال تعبیر و تفسیر و تواتیر کلمات و مضامین گوناگون نگردند.

رئیس - آقای تیمورتاش وقت شما تمام شده

التفات فرمائید

رئیس - آقایانی که باه دقیقه جهه ادامه نطق آقای تیمورتاش موافقت قیام فرمائید (اکثر برخاستند) تصویب شد

دکتر بقائی - اجازه فرمائید بکلمات صحبت کنند تا اسرار نقت را که وعده داده بودند بگویند. ماهه رای میدهیم بشرط اینکه ایشان مهر را بشکنند و همه اسرار نقت را بگویند.

رئیس - شما چه مربوط است مجلس

باید رای بدهم، شاهم يك رای دادید، هر کس يك نذر بدهد مجلس انتقامش ازین میروم، بفرمائید بقیه بیانان را بکنید

تیمورتاش - باوجود همه این احوال من وجبه کسانیکه امروز بجزم اقلیت بودن مأمور ادم شناخته شده ایم، جناب ایشان رای دادیم تا شاید بتواند و همه موفقانموده و ایران را از گرداب هملکه بیرون کشند

متأسفانه این آرزو انجام نگرفت و هر روز مشکلات تازه بر مشکلات گذشته افزود تا آنجا که بجای طرفیت با یک شرکت غاصب و ستیگر نقت با دوات انگلیس و بعد در اثر عدم موفقیت دست راست رئیس جمهور آمریکا در مأموریتی که بعلت شکایت و ورود دولت حاضر تقبل نموده بود با تمام بلوک غرب طرف شدیم

قیاس با سایر خبر هریمن و آنچه در گذشته از وی بخاطر داریم مراهی نیاز از توضیح بیشتری مینماید.

هم چنین لازم نمی‌دانم اقدامات و اظهارات خود را چه در کمیسیون خارجه و چه نزد هیئت مختلط در میان گذارم فقط اکتفا می‌کنم که عرض کنم هر گاه بسؤالانی که از جناب آقای نخست وزیر نمودم پاسخ داده می‌شد جمیع این نکات روشن می‌گردید

آیا ابراز نگرانی از این همه ناکامیها جرم و خدمتگذاری بخارجی است؟ آیا اگر سؤال شود که نقشه و برنامه چیست باید مهر مزدوری بر ما زنده؟ آیا اگر بیورسیم که همین مجلسی که روزی جناب آقای دکتر مصدق برای اخذ رای اعتماد آنرا فرارند ملی خوانند چرا اکنون تا این اندازه غریبه و دور از جریان است خیانت و وطن‌فروشی است؟

آیا اگر سؤال شود چرا روز کاری تمام جریان نقت برملا و از ملت ایران پوشیده نبود ولی امروز استرداد نامه و ارسال پیشنهادات جدید را باید از خلاصی ارسال بجزای خارجی جستجو کرد جاسوسی اجنبی و نو سکری سفارت انگلیس است؟

برای آنکه بهر آن فاطح برای این دولت بیاورند عرض می‌کنم هر چند در نامه اخیر خود خطاب بدستور مصدق از ابراز نگرانی جناب ایشان راجع بعل مسئله نقت سخن می‌گویم

چرا این ابراز نگرانی برای آقای نخست وزیر که خود عامل انجام کار می‌باشند عین وطن پرستی ولی برای ما کسانی که از چون و چندان امور جز آنچه بعنوان گزارش بدون بحث خوانده میشود خبری نداریم جاسوسی انگلیس و خائن به مصالح عالی کشور است

آیا اگر هدهای نخواستند در رای چون من براش پش حرف می‌زنم مثل

موجی برای تمدید اعتماد موجود است بلکه باید در انتظار نشست و دید که هفت کار چه خواهد شد

دکتر همدانی نمی‌خواستند مجلس را پیش از این در این دفاعی ترک آنوده به بپند کشکارند و باید ننگ بیگانه پرستی را بخود هموار کنند

آیا مفهوم دولت آزادی شوا است که شبانه روز نامه تهدید بقتل و شکن بوسیله دستگهای کونا کون خود فرستاده در روزنامه‌هائی که خود را منسب و مدافع دولت می‌دانند ملنا قیام بر علیه مجلس و نمایندگان را تبلیغ کنند

آقایان از چندی من میروم زیرا نه تحمل این همه دشنام و فحش و ناسزا دارم و نمی‌توانم سکوت اختیار کنم من این فتا کاری را نیز در راه ملت ایران نموده برای آن که تصور نکنند خار را می‌هستم بنسب خاطر کرسی و کالت را ترک می‌کنم - شما باید و سر نوشت این مملکت - شما باید مقدرات این ملت.

اجازه می‌خواهم بعنوان وداع جرات نوده نکته‌ای را بر سر بسازم

انتخابات آینه انگلستان نزدیک است اگر شما دولت کارگری را بزبان در دنیاورید بیم آن دارم که با سیاست منفر استعمارگران بزرگتری مواجه شوید در این مدت کوتاه که تا ۲۰ اکبر باقی است شما می‌توانید نقش بزرگی در تاریخ حیات کشور باستانی ایران بازی نمایند نسل های آینده را از هملکه نجات دهید آقایان امروز من از حضور شما مرخص می‌شوم ختم کلام خود را این بیت نظامی قرار می‌دهم -

زمین هم گور گاه کی است در او پای بیگانه وحش برآست

رئیس - فرمائید آقای شوشتری

شوشتری - بسم الله الرحمن الرحیم بنده برخلاف رویه وعادت مخصوصاً برای اینکه از ادب خارج نشوم اگر چه بیچرف هادتم نیست این دو کتاب را آورده ام در اینجا حاضر است در ۱۹ ماه کمین در مجلس بوده ام ملاحظه فرمائید يك نکته از ادب خارج نشده ام و اگر بیکروزی يك جوابی را بفردی داد بروی حقیقت بود و اگر مجلس استعلام می‌کرد ادله آن يك کلمه می‌که از من پستیده نبود هیچجا بیک کلمه نرفتم در دسترس تا بداند که همان يك کلمه را که هصبائی شدم و از ادب خارج شدم بیرون نطق نگفته ام - از اینجهت نطق را تعلیم کردم و امیدوارم سوری بشود که آقایان اجازه بدهند توجه بکنند که این بازار سحر تمام بشود و برده معجزه بالا رود و از آقایان مغیرین جرایب خواشندم توجه فرمائید که مطالبی که می‌گویم عیناً نوشته شود چون من براش حرف می‌زنم مثل

مردم را گریه ندهد مصاحبه نمیکرد حرفهای مخصوصی بعنوان مصاحبه نیست مصاحبه است که معاهده دهنده است که در این مصاحبه حرفهای مخصوصی را نباید میتوان مصاحبه در روزنامه نوشت کمین بیابید بگویند که این مطلب با آنچه کمین گفته نبوده بنام هله‌ها امیدوارم آقایان معترم اجازه فرمایند تا اول نمایندگان اقلیت خواهند در مجلس رای ملی آزادانه نظریات خود را اظهار و عقاید خود را در معرض نقضات افکار عموم قرار دهند و سعی فرمایند مجلس شورای ملی را از اختناق بسوز نگاهدارند زیرا در خارج از محیط مجلس دولت ملی می‌گردد و افکار و بیانات نمایندگان موافق را با آب و تاب و نام مخصوص در چندین نوبت می‌گویند و بزبانهای خارجی هم ترجمه کرده نمکس می‌سازند ولی از گفته نمایندگان مخالف چیزی گفته نمی‌شود و اگر هم گاهی مختصری را بگویند آن قسمتی است که بعالم دولت مفید دانسته و شاید همان مختصراً هم تعریف کنند.

پس انتقاد کنندگان از روش دولت بهره و نصیبی از رادیو ملی نمی‌برند و از این راه نمی‌توانند نظریات خود را بعلمت بفرمایند و گوشزد کنند یک راه دیگر باقی می‌ماند و آن روزنامه هاست - اولاً روزنامه مجبور و موظف نیست که تمام بیانات نمایندگان را نقل کند و دیگر آنکه روزنامه ها دو دسته اند آن دسته که سابقه متداولند و در اثر خدمات گذشته وزنی در جامعه پیدا نموده و آبرویی تحصیل کرده اند و وضعیت متشنج فعلی آنها را وادار با احتیاط و محافظه کاری کرده که مبادا آبروی خود را از دست بدهند و دچار افتراء و تهمت قرار گیرند مثل آن چند روزنامه با شامتی که با کمال شجاعت از نظر انجام وظیفه از هیچ چیز نهراسیده حقایق را در معرض افکار قرار داده و قلم حق خود را بکار بردند ملاحظه فرمائید کدام افتراء و تهمت و ناسزا است که نسبت به آنها نوشته اند دسته دیگر روزنامه‌هائی هستند که در این چند ماه با عرض وجود کرده و کسی نیست در مقام بر سرش و تعقیب بر آید که این افراد کیانند و چرا دولت با آنها پروانه داده و مخارج آنها را از مغیرین جرایب خواشندم توجه فرمائید که مطالبی که می‌گویم عیناً نوشته شود چون من براش حرف می‌زنم مثل

کند اظهارات آنها از روی چه دستور و غرض است این افراد طبق نشسته منظم و دستور مخصوص و مأموریتی که با هاده شده و رسیده خود را انجام می‌دهند وظیفه آنها اینست که در راه فحش پدر - مادر - مذہب نسبت دردی خیانت، اجنبی پرستی و امثال آنها پرده مونت کشور نداشتن است - چون در آملی خواهد در این باره حرفی بزند و قوت نمایندگان معترمان را بر چه دوازده می‌گذرد و بسوق دیگر موکول می‌بماند

بمقدمه قون راه منحصر بقوه نمایندگانی که روش دولت را نمی‌پسندند و از نظر انجام وظیفه می‌خواهند اعمال دولت را انتقاد کنند همان نطق در مجلس است و پس از آن در مجلس هم مانتوانیم حرفهای خود را بزیم ناچار باید در مقام سؤال بر آیم و بخواهیم که بنگر پیدا شود معنی حکومت مشروطه و آزادی را باحالی کند و هم چنین تشخیص نماییم که در حکومت آقای مصدق روش سیاسی ما باید چگونه باشد این جانب بانخت وزیر آقای دکتر مصدق مخالفت بودم و تلاطم مخالفت و از نظر خود عدول نکرده و با آقایان مخالفین دیگر هم صدا شده در جلسات گذشته حضور پیدا نکردیم بطوریکه ملاحظه فرمودید علت عدم حضور در مجلس را بمقام ریاست نوشتم زیرا وضع آروز را بهیچ کیفیت نمی‌توانستیم در تاریخ سیاسی ایران محفوظ نگاهداریم مگر بهمان طریق زیرا بقول عوام دیوار حاجالبلند است بعد از گذشتن چند ماه موافقین آقای دکتر مصدق انکار می‌کردند و بکلی نفی می‌نمودند که در آروز هیچکس درب مجلس نیامده بود و واکلازا تهدید نمیکرد - عدم حضور در چند جلسه مجلس علت ترس نبوده زیرا اگر می‌ترسیدیم آن اعلام بقتل را نمی‌دادیم و امروز هم حضور پیدا نمی‌کردیم خواستیم بسات ایران و دنیا بفهمانیم چه وضعیتی را دولت فعلی فراهم کرده و چه طور آزادی افکار و افراد در معرض تهدید و ترود قرار گرفته است فعلا این دو کتاب را که ملاحظه می‌فرمائید مجموعه صورت مجلس ها و نطق های جامع نمایندگان است در این دو مجله مربوط بسیار اول - شش ماهه سال دوم صورت مجلس ها موجود و نزد همه آقایان معترمان نمایندگان است - قبل از شروع به بحث در آن لزوم محترم ریاست استماع دارم امر مقرر فرمائید لاک و مهر مجلس را آورده این وصیت نامه هفت برگی که ذیل آنرا رئیس معترم و سه نفر از نمایندگان آقایان معترمان رفیع وارژناتک و کتابی تصدیق و امضاء فرمودند لاک و مهر شده در مجلس حفظ شود و پس از مرک طیبی با کشته شدن در مجلس قرار

باید رای بدهم، شاهم يك رای دادید، هر کس يك نذر بدهد مجلس انتقامش ازین میروم، بفرمائید بقیه بیانان را بکنید

تیمورتاش - باوجود همه این احوال من وجبه کسانیکه امروز بجزم اقلیت بودن مأمور ادم شناخته شده ایم، جناب ایشان رای دادیم تا شاید بتواند و همه موفقانموده و ایران را از گرداب هملکه بیرون کشند

متأسفانه این آرزو انجام نگرفت و هر روز مشکلات تازه بر مشکلات گذشته افزود تا آنجا که بجای طرفیت با یک شرکت غاصب و ستیگر نقت با دوات انگلیس و بعد در اثر عدم موفقیت دست راست رئیس جمهور آمریکا در مأموریتی که بعلت شکایت و ورود دولت حاضر تقبل نموده بود با تمام بلوک غرب طرف شدیم

قیاس با سایر خبر هریمن و آنچه در گذشته از وی بخاطر داریم مراهی نیاز از توضیح بیشتری مینماید.

هم چنین لازم نمی‌دانم اقدامات و اظهارات خود را چه در کمیسیون خارجه و چه نزد هیئت مختلط در میان گذارم فقط اکتفا می‌کنم که عرض کنم هر گاه بسؤالانی که از جناب آقای نخست وزیر نمودم پاسخ داده می‌شد جمیع این نکات روشن می‌گردید

آیا ابراز نگرانی از این همه ناکامیها جرم و خدمتگذاری بخارجی است؟ آیا اگر سؤال شود که نقشه و برنامه چیست باید مهر مزدوری بر ما زنده؟ آیا اگر بیورسیم که همین مجلسی که روزی جناب آقای دکتر مصدق برای اخذ رای اعتماد آنرا فرارند ملی خوانند چرا اکنون تا این اندازه غریبه و دور از جریان است خیانت و وطن‌فروشی است؟

آیا اگر سؤال شود چرا روز کاری تمام جریان نقت برملا و از ملت ایران پوشیده نبود ولی امروز استرداد نامه و ارسال پیشنهادات جدید را باید از خلاصی ارسال بجزای خارجی جستجو کرد جاسوسی اجنبی و نو سکری سفارت انگلیس است؟

برای آنکه بهر آن فاطح برای این دولت بیاورند عرض می‌کنم هر چند در نامه اخیر خود خطاب بدستور مصدق از ابراز نگرانی جناب ایشان راجع بعل مسئله نقت سخن می‌گویم

چرا این ابراز نگرانی برای آقای نخست وزیر که خود عامل انجام کار می‌باشند عین وطن پرستی ولی برای ما کسانی که از چون و چندان امور جز آنچه بعنوان گزارش بدون بحث خوانده میشود خبری نداریم جاسوسی انگلیس و خائن به مصالح عالی کشور است

آیا اگر هدهای نخواستند در رای چون من براش حرف می‌زنم مثل

شود اشتباه نفرمایند این جانب وصیت نامه را تا از ترس نوشته ام و نه آنکه دارای املاک و مستغلات و پول و جواهرم که محتاج به مهر بوده شاید اثباتی منزل و تمام آنچه را که از اسباب و اموال دارم تکفالی پرداخت فروش آن را نمی کند من شرما این عمل را لازم دیدم که از این راه هم افزای مشتبه ایرانی را منتهی کرده بودم و از مرگ معلوم شود آیا گناهی کرده بودم و یا خیانتی ورزیده ام

رئیس - اجازه فرمائید در هیئت رئیسه با حضور خودتان این کار را می کنید چون وقت مجلس گرفته می شود خدمت خودتان باشد

شوشتری - خدمت خود جناب عالی باشد ۷ برک است و خودتان هم امضاء کرده اید (۷ برک وصیت نامه را تقدیم مقام ریاست نمودند)

حالا برگردم باصل مطلب آقایان نمایندگان محترم بقین دارم میدانید چه مسئولیت سنگینی را برعهده دارید از شما دولت ایران می خواهم واستدعا می کنم با مراجعه باین کتابها و صورت مجلس ها ببینند آیا در تمام ۱۸ ماه این جانب حتی يك كلمه از دهانم بیرون نیامده است که استنشام بوی اجنبی خواهی و حمایت از اجانب از او بشود ؟ مراجعه فرمائید ببینید تمام گفته های این جانب برخلاف اجانب بوده یا نه رسیدگی فرمائید که آیا شدت عمل این جانب در مخالفت با شرکت فاسد سابق نفت و عمل اجانب از دیگران اگر بیشتر نبوده کمتر بوده است؟ این دو جمله مختصر را می خوانم یکی در کابینه منصور است که آنجا داد مزدم ای دنیا ما روی طلا داریم راه میرویم ما منابع تحت الارضی داریم جنوب و شمال ایران مردم ایران با سیاست مرموز دولت تمام مردم ستره صورت ندارند سخاخانه درست کرده اند و قتل ماژورایی بری درست کرده اند یا در کابینه رزم آرا در صورت مجلس نوشته شده که گفته ام ای ملت ایران دست گدائی دراز کردن بس است زیرا بارظالم رفتن بس است تعدی کشیدن بس است تحمل بس است آیا ما باید دست گدائی ببال خودمان دراز کنیم که آقای مکی آن موقع گفتند هزار احسن این ترتیب شده که يك چنین آدمی امروز زنازاده خوانده می شود مزدور اجنبی خوانده میشود (ارباب- این حرف غلط است) آقایان بگذار حرف بزنم گوش کن مزدور خوانده می شود من ۶۰ سال خدمت باسلام و مملکت کرده ام آقایان شب می نشینند دستور میدهند که آن عبارات صبح در آن روزنامه هائی که بولش از بیت المال ملت گرفته می شود نوشته میشود پس چرا این جانب اینطور عمل می شود باید

هنگام آنرا عرض کنم
معلمی را که در برنامه آقایان دکتر برنامه ایشان و زمامداری شان مخالفت ورزیدیم و ده ماده پیشنهاد اصولی کرده و با کمال ادب ملت مخالفت خود را با نخست وزیر ایشان اظهار داشتیم چه گفتیم عرض کردم آقای دکتر مصدق وجودشان در انجام عمل مثبت عاجزند و در ابغای نقش منفی ما هنرند و گردش کارهای دولت در نخست وزیر ایشان متوقف خواهد گردید و همه را دچار زحمت خواهد ساخت در همین اظهار این نظر راجع باصل ملی شدن نفت کاملاً موافق و با نمایندگان محترم دیگر هموماً با این موضوع رای دادیم و هر يك زبان و مشروها را بیگانه از شرکت سابق بهت ایران وارد شده بود آنچه توانستیم اظهار کردیم گواهی بنده اظهارات مضبوطه است که قبل از آمدن آقای دکتر مصدق و کلائی محترم تهران به مجلس چند مرتبه این موضوع را عرض کرده بودم مخالفت با زمامداری ایشان و آن بیانات استدلالی آقای دکتر و طرفداران ایشان را بیخالت دیگر انداخت و وجود مرا بغل بگاوردند هیچ داده پس از گذشتن چند روز بکمرته متوجه شدم که از تهران و ولایات کم و بیش نامه های تهدید آمیز متعدد المضمون یا قریب المضمون که معلوم است بدستور مرکز تهیه فرستاده میشود و روزنامه های مخصوص طرفدار دولت دچار حمله و فحاشی شدم لیکن ترتیب اثر با آنها ننهادم زیرا آن را که حساب يك است از محاسبه يك ندارد در همان اوقات بود جناب آقای بوشهری وزیر محترم راه که سالها است با این جانب دوستی دارد و مورد اعتماد آقای دکتر مصدق است چند مرتبه بنا بر این جانب صحبت و جداً اصرار می ورزیدند این جانب از مخالفت خود با آقای دکتر دست بکشم غیر از ایشان جنابان آقایان مدعی - کشاورز صدر - اللهیار صالح و بعضی دیگر که نسبت با این جانب ایراز لطف می فرمایند بنده را نصیحت و مشورت میدادند که شما مخالفت نکن وسیله آقای بوشهری دمرتبه در مجلس با آقای دکتر مصدق ملاقات مدتی را صحبت کردم ایشان در همین آنکه بن اظهار لطف میکردند و می فرمودند بتوااردت دارم که اینگونه همه آقایان ملاحظه فرمودید و در صورت مجلس ضبط است آقای دکتر در آن اوقات که هنوز این اندازه قوت نگرفته بودند صریحاً در مجلس خودشان را خوب نشاوند بنده می گفته عرایض بنده را تا حدی تصدیق ولی می گفتند فعلاً صلاح نیست شما این حرفها را بزنید چون اظهارات ایشان از نظر اصول نمیتوانست مرا قانع سازد بین ما نگرش ولی در همین حال راجع به اصل ملی شدن نفت مخالفتی از این جانب بروز نکرد بلکه بقصد هر چه تا منظر از ایشان و

دولت ایشان در این خصوص پشتیبانی کرده و همه ملاحظه فرمودید آرزوی من است که ایشان رای موافق و اعتماد خواهند در مجلس خصوصی چه اظهاراتی کردم و متن آن اظهارات آن بود که همین آقای مدعی بر خواستند و مرا تهنیت فرمودند حتی در روزنامه تهران بصورت منکسر کردند که شوشتری با تمام مخالفت جدی که داشت در این باره حداکثر موافقت و با خرج داه و مردانه تر او آمد پای رأی ورای سفید خود را دائر بر اعتماد بدولت و طرف انداخت چند روز از رای اعتماد نگذشته بود راجع به حملات بعضی از روزنامه ها گنه کردم همین آقای قاضی تصدیق میگوید که آنها تا آنکه در وزارت خانه معینی وزیر محترم در حضور دو نفر دیگر باین جانب اظهار کرد مخالفت شما با آقای دکتر مصدق فاقبت بدی را برای شاد بیاورد آورده زیرا از دیشب تصمیم گرفته دستور داده شد که شمارا بگویند و این مال سازند و نه نماینده (بیراسته - کی گفته) يك وزیر در حضور دو نفر مجاز نیستیم اسمش را بگویم بآن وزیر منم گفتند آیا این تصمیم را روی حق و واقع گرفته اند در درمن گناهی پیدا نموده اند اگر اینطور است آنها حق دارند او اگر من گناهی را مرتکب نشده عدل الهی انتقام خواهد کشید و جرح و فک دنیا را میخکوب نکرده اند روز کار هر روز گردش نو دارد

رئیس - آقای شوشتری وقت شما تمام شد

شوشتری - استدعا میکنم اجازه فرمائید بقیه صحبت من را تمام کنم
رئیس - چند وقت می خواهد
شوشتری - نمایندگان آنجا که این تمام بشود وقت بدهید
آشتیانی زاده - يك ساعت وقت بدهید
رئیس - آقایانی که با ادامه صحبت آقای شوشتری موافقت فرمایند بفرمایند (تمام نمایندگان برخاستند) تصویب شد بفرمائید

دکتر شایگان - مطالب ایشان اغلب مکررات است

شوشتری - از لطف آقایان متشکرم و شاید آقایان از عرایض بنده ضربه ببینند و می فرمایند مکررات زیاد دارد ولی تصدیق می فرمایند که این مکررات را مجبور بودم عرض کنم و الا آقایان مکررات دارد و کثر های بکثر متوجهم که مکررات دارد حرفها را بزنید چون اظهارات ایشان از نظر اصول نمیتوانست مرا قانع سازد بین ما نگرش ولی در همین حال راجع به اصل ملی شدن نفت مخالفتی از این جانب بروز نکرد بلکه بقصد هر چه تا منظر از ایشان و

حکومت کند چون نعل خیرم را بی این موازین شرعی گفته شود این است معنی این است و معنی حفظ آبروی مردم با این است امیر انجمن آفتاب دکتر مصدق اگر شما برای بند با حکم دینی هستید بگذار از ساعتی که شما نخست وزیر شده اید و زمان امروز بیست و نهمین و آنمى ایرانى بدست شما سیر شده مسئولیت تمام کارها برعهده شماست و هر عمل خلافی واقع شود شما را آتش بکشد لذا از شما میبرسم در کدام دوره و زمان این اندازه فحاشی و هتاکى و تعرض بمرض و ناموس مردم راجع معامله کرده - آقای دکتر مصدق از آغاز مشروطیت تا حال کجا شنیده شده افرادی که ذکر سابق آنها در مجلس دون شان مجلس است هر قدر بتوانند بزنند بزنند - و برده ها هم ابقا هستند - مگر سابق زحمات و خدمات مرحومین آیات نشانیها بیهانی - طباطبائی خونى را باسلام و مملکت می توان انکار کرد که این معلوم الحالها بر آنها هم بتازند و آنها را خائن و اجنبی پرست بنویسند تا س در آن جا است که آن افراد از آنچه دولت شما تقویت می شوند و شنیده می شود از پول تان که دولت سابق برای جمع آوری فقرا در نظر گرفته شده بود جمع آوری می شد با آنها کمک می شود این است معنی حفظ آبروی مردم و نگاهداری شرافت خدمتگزاران - آقای دکتر مصدق روزنامه مگر شمار می کشد بنده دار بدست گرفته اید و عده را من جمله بنده می خواهید بدازید و واقف لباس و وضعیت عجیبی است که این شما پوشانده و یا می پوشید بد نیست در آخر صبر آدم کش هم می شوند الامیاز الله من اگر کشته شوم شهادت ارب من است و شکر می کنم خدا را و معتقدم باین اصل که بمداول آیه کریمه لا تقوالنفس اللتی حرم الله علیکم الا بالحق الا بالحق راهم تفسیر کرده اند مگر هر کسی حق دارد هر کسی را بکشد ؟ من اگر کشته شوم روی موازین اسلام شاید خودم در نظر نداشته باشم و اگر دینی داشته باشم قادر بنادیه باشم ولی تمام دین من بگردن قاتل من است و اگر گناهی هم داشته باشم بگردن قاتل من است چرا ؟ شاید می ماندم و از گناهانم توبه می کردم و بدرگاه ذوالجلال پناه می بردم و می گفتم استغفر الله ربی و اتوب الیه هیچکس حق ندارد غیر از آنچه قرآن کریم و اسلام دستور داده فردی را بکشد و هر کسی را کشت باید کشته شود و من قتل مشاوراً اقد جعلنا لولیه سلطاناً این مذهب ما است آیا این جریان و امانات و تهدیدات و فحاشی ها و تهمت ها و افتراء ها و سازها و تجاوز به نوامیس مردم از نظر شما پوشیده است اگر می دانید چرا این کتب ظلال راجل و گبری

می کنید خواهی فرمود من از آزادی نمی گویم کسی نمی گویم پس چه طور از آزادی سخن و بیان جلو گیری می کنید مگر واقعه ۲۳ تیر دستور جلوگیری از آنها را شما داده اید در آنجا شنیده شده فرموده اید چه آنچه جلو گیری نمی شد عرب توده به مجلس حمله می کرد و مجلس را می جایید و غراب می نمود شاید هم این عذررا استدلال موجه باشد و اما جلو گیری از تعلق و بیان و تجمع نمایانان اسلام در مسجد شاه آیتیم برای آن بوده که آنها می خواستند مسجد شاه را بجا بیاورند و غراب کنند (نورالدین امامی - بیدرعباس تبیهدشان کردند) اشتباه نفرمائید من طرفدار دست و جمعیت مخصوصی نیستم و همانطور که در برنامه شما راجع با انتخاب نفت جبهه منی و اختصاص آن بدسته طرفدار شما را جایز نشمرم و اظهار کردم خود این عنوان کاشتن نفاق است در ملت حائلمی گویم هر کس مسلمان است و یاری بند با حکام اسلام است با مالزاده فدائی اسلام است آقای دکتر مصدق همه می دانند این اوراق و روزنامه های خلق الساعه از کدام دلارها مخارج آنها تا من می شود زیرا با حساب ساده اگر بخرج و دخل آنها رسیدگی شود مطلب خیلی روشن است و کسی در شبهه باقی نماند جناب آقای دکتر اگر نماینده بگویند ما نباید غافل باشیم و با اختلاف نظر در سیاست انگلیس و امریکا و شوروی توجه نکنیم و اخباری که همه روزه از امریکا و انگلیس و سایر جاها راجع به رقابت شرکتها مخابره می نمایند ما را وادار با احتیاط نکنند و از روی عقل و حساب باید بروداریم اظهار چنین و کبلی دلیل بر آنست آن نماینده طرفدار سیاست استعماری انگلیس است آقای دکتر چنانچه و کبلی اظهار کند از آمدن آقای هرین بایران من هیچ استنباط می کنم بین ایشان و سفیر کبیر امریکا اختلافی بوده و سفیر امریکا با تشی اختلاف دامن میزند و ما باید کاملاً باین اختلافات و نکات متوجه باشیم آیا وکیل خائن است آقای دکتر اگر و کبلی بگوید خفتن در دستر بتوان بیماری یا نماز با وضو و پریشانی ملت ایران سازگار نیست آن و کبلی اجنبی پرست است اگر و کبلی از شما بپرسد نقشه اقتصادی این دولت چیست و چرا تقریباً در يك ماه قبل بر قیمت دلار يك تریال و نیم افزودید و فعلاً هم می خواهید سه ریال دیگر بیفزایید و این افزایش ها بازار اقتصاد ایران را برهم می زند و متشیج می سازد آن و کبلی خائن باین کشور است و اگر و کبلی بیانات شما را در رادیو مستند قرار بدهد و انتقاد کند اینکه می فرمائید دولت من فقط تلاش امرت است و بس و اصلاحات کشور را در کلبه قسمت هامو کول بهانه امرت قرار می دهیم بر خلاف

انجام ملت تواری می داد و باید اول آن صراحت داشتگویی و بی طرفی همه رئیس دولت است که با دلیل و مدرک ثابت کند مردم تکلیف خود را با خیانتکاران بدانند آن وکیل از وظیفه نمایندگی خود خارج شده و خجالت ورزیده آقای دکتر چگونه محسن است رئیس دولتی آهم مثل شما باید صریحاً در مجلس بگوید افرادی هستند که از شرکت سابق نفت استفاده می کنند و به شرکت خارجی ها (که خدا آن برکت را از همه جا ببرد) بوجرد آمده اند و آنها را بنام و نشان و دلیل مرفعی نکند چگونه از این راه می شود اتحاد و اتفاق ملت را بوجود آورد

آشتیانی زاده - آقای دکتر مصدق حق با کدام دسته است؟

رئیس - ساکت باشید

شوشتری - آقای دکتر بنده در مخالفت با برنامه شما ادامه پیشنهاد کرده بودم یکی از آن مواد بستن درب سفارت خانه های خارجی بود بروی مردمان فقیر مسئول حتی و کلا چطور اعتراض نکنم به مصاحبه هائی که اشخاص فقیر مسئول با نمایندگان خارجی و معبرین آنها در تهران و آبادان می نمایند همه بغاظر دارید جناب آقای حائری زاده چند ماه قبل در همین مجلس متعلق نمود در صورتی که آن مصاحبه امری هادی بود و حالا این مصاحبه ها می شود دولت آقای دکتر مصدق سکوت اختیار می کند آقای دکتر تشکیل این جمعیت ها کطابق حساب صحیح روزی بیش از بیست هزار تومان مخارج آنها است و اگر به خواهم بنده اینجا ثابت می کنم از کدام دلار ولیده تأمین می شود در این موضوع موقع دیگر با حساب و دقیق مطالب را فاش خواهم کرد ولی اگر و کبلی رئیس دولت بگوید مادر گذشته دچار دو سیاست بودیم و حالا سیاست سوم هم در اثر اشتباه شما دچار شده ایم آن وکیل الهام از خارجی گرفته و عائن بشکورت است ؟

آقای دکتر عوم نمایندگان راجع به موضوع نفت مکرر اظهار داشته اند که ملت ایران طرف معامله اش شرکت تجارنی بوده نه دولت انگلیس و اگر و کبلی در نظر کرده اید و رسماً به پای دولتی انگلیس توجه بفرمایند و در این کار و ساختن و تمهیدات سر می آورند و می کنند است از این اقدام ملت ایران زبان ببرد و همچنین راجع به سؤال و کلا از رئیس دولت یا وزراء دلیل بر حقانیت آنها است آقای دکتر اگر و کبلی بگوید شما در رادیو می گویند ملت ایران باید اتحاد و اتفاق خود را از دست بدهد و اظهار کند

مجلس و صدور اعلامیه مبنی بر تهدید و ارباب و کلا که اگر رای اعتماد ندهد به اقتب و تخیم گرفتاری شوید جزء اساس آزادی و مشروطیت است خوب است شریف بیادید و معنی وی که توری را برای مانع شریف فرمائید آقای دکتر شای و قتی رای بالاتفاق مجلس را تعیین و تقدیس کردید هر یک را که کلابان ازروری صمیمیت داده اند خودتان مقدوس میسازید از یک طرف و کبل جبهه آقای مصدق در مجلس می گوید همه ای از کلابان رسیدند و روی خود رای دادند از طرف دیگر و این تهدیدات را مغربین خارجی با آب و تاب مخصوص بدینا معاریه می کنند و شخص شما در مجلس سنا میگوید سر مخالفین را باید بکوبند و مسجلی می سازید که مخالفین وجود دارند و موثر در قضایا هستند آیا فکر نمی کنید با این کیفیت قوانینی که در دولت شما بگذرد بعداً چه صورتی پیدا خواهد کرد واقعا مثل گاو نه من شیر را در اینجا باید بیاوریم دوشیده می شد و دوشیده می شد و انگه لگدی می انداخت و پاشیده میشد آقای دکتر شما صریحاً در مجلس اظهار داشته اید که مهرداد سلطنتی انگلیس موقعی که با ایران آمد فکر مخصوصی داشت و در موقع مراجعت فکر او عوض شد برای آنکه جمعی دور او را گرفته و او را صاحب و پدر خود خواندند من که نمی فهمم مراد از این حرف چیست زیرا آقای هریس با مهرداد انگلیس دولت برای آن ها برنامه معینی فرار داده بود هر کس آن ها نمی توانست است ملاقات کند و شما که این اظهار را می کنید اگر راست می گویند چرا این بی شرف های ناموس فروش را نام نمی برید و معرفی نمی کنید و اگر حقیقت نمی گویند قضاوت آن با افکار ملت ایران است من می گویم آنها را معرفی کنید مگر اینکه بخواهید اختلاف بیندازید بجان همدیگر من از این مجلس نمی روم و بعد تا آخر هم نخواهم رفت بیرون و خواهید دید که ممکن نیست از این فحاشی ها هتاکمی ها از این فحش نامه ها انصراف پیدا بکنم فاش می گویم و از گفته خود دلشادم بنده شرع و نه هشق بنده و از هر دو جهان آزاد بنده هشق نیستم بنده شرع (آشتیاب زاده - هشق شما و فحش گذشته است) شما ماوس نباشید آقای دکتر فلا راجع به نطق شما در مجلس سنا و مجلس شورا وارد بحث نمی شوم و اگر بخواهم جزء بجزه حرفهای شما را با دلیل مستقل رد می کنم ولی این جمله را می گویم بیان بی سابقه شما راجع به دربار و وزیران آوردن لفظ جمهوری و آن حرفها برخلاف مصلحت کشور است آقای دکتر یقین بدان ملت ایران نسبت

بشاهنشاه خود و حفظ دربار به هزاران دلیل موافق است (صحیح است) و این حرفها را پسندیده نمیانند (صحیح است) آقای دکتر این سه جمله دیگر را میگویم بهر آنکه برایش خرد خانه میدهم چون دیگر از مجلس بیرون نیروم و میدانم تا وضعیت روشن شود و بیش از این تحمل را از این می شمارم زیرا یک عمر خدمت کردم دست دزدی و تعدی بیال مردم دراز نکردم غیر از خدمتگذاری بقدری که در استطاعت بوده لایکف افکند نفساً الا و سما بقیده خود عمل برخلاف مصلحت مردم انجام نداده - حالا که مویم سید شده وقتت اواخر هر را می بیامم بهت حس جاه طلبی و هوا م فریبی و خودخواهی خدمتگذاران آبروی خود را از دست میدهند و در جامه خادم بصورت خائن جلوه گر میشود دیگر برای من این زندگانی ارزش ندارد چه فرق می کند حالت سکوت بخود گیرم و یا سکوت را بشکنم و چند روزه آخر هر پرده را بدم چرا صریحاً نگویم آقای رئیس دولت آنچه اسباب و لوازم کار و مایحتاج هفتاد هزار کارگر شرکت نفت که تهیه شده بود متعلق بملت ایران است و حتی یکشاهی آنرا بدون مجوز قانونی کسی حق ندارد در آن دخل و تصرف کند می گویند نزدیک بدویست میلیون تومان آن اشیاء بطور قاجاق از بین برده شده و کامیون کامیون هریک ماشین را در دست به پنج هزار تومان می فروشند و دیگر چیزی باقی نمانده دولت شما در خواب است و یا چشم خود را روی هم گذارده و متمم نمی خواهد خود را به بیداری بزند (دکتر طباطبائی راجع به بیضخانه هایش که خیلی اغراق بود این را هم فرمائید) آقای دکتر مصدق اعلامیه شما راجع به هفت قلم که اخیراً صادر فرموده اید ادواری بهماز مرگ سهراب است اگر معتقد باین اصل بودید چرا قبل از جاوگیری نکردید! حالا که عرض و ناموس و آبرو و همه چیز مردمان بیگناه بر باد رفته بچه دردم بخورد مگر اینکه بطوری که اهل نظرمی گویند چون حس کرده اید اکثریت جرایم دیگر بیدانه صبرشان لبریز گشته و در مقام انتقاد از صکار غای شما برآمده اند از این راه می خواهید اختلاف آنها را فراهم سازید آقای دکتر مصدق این گفته شما در مجلس که من روزی دوماه امضاء بیشتر نمی کنم و هیچ کاری مداخله نمی کنم، برای ملت تشنه ای که سالها از اصلاحات بقول شما دور افتاده و از هر جهت معروبت کشیدند آن گریه آور است تشنگان از دور آب زلال به بینند و بطرف او بگروند پس از طی مسافت بر بفرورند که آن آب زلال نبوده بلکه سراب و شوره زاری بیش نیست آقای دکتر این رای اعتمادی که از مجلس سنا گرفته اید اگر خوب توجه کنید و اهل علم و تحقیق قضاوت کنند رای عدم اعتماد

مکرر گفته ام آقای دکتر ما با حرکت تعارضی طرف مامله بوده ایم نه با دولت انگلیس و حاکماتی بینیم که شما اینکار را از صورت اولیه خارج ساخته ما را با دولت انگلیس و دولت امریکا طرف ساخته اید چه حق دارند دیگران در امور داخلی ایران مداخله کرده و بکنند خداوند خودش تفصل فرماید ملت ایران را از اشتباهات شما مستخلص سازد این بوی من است این خوی من است این سویم من است این گفته من است این کرده من است من از اسباب شامه و ارحام مطهره هزار نفر را بی خانمان و قاندهستی کرده و تصور می شود این جریان باین سادگی نبوده اولاً از دولت تقاضا داریم و شدیداً می خواهیم هر چه زودتر رسیدگی دقیقی در این موضوع کرده نتیجه را بعرض مجلس شورایی برساند. ثانیاً با عرض تشکر از هیئت محترم شیر خورشید سرخ که کمک هائی فرموده اند از پیشکبانه مبارک اعلی حضرت همایون شاهنشاهی و نمایندگان محترم و هیئت دولت و عموم ملت ایران استنداد میکنم که هر چه زودتر با تمام وسایل ممکنه کمک و مساعدت باین بی خانمانها و از هستی ساقط شده ما بفرمائید ضمناً تلگرافی رسیده که به مقام ریاست تقدیم می کنم

(۵) قرائت نامه دانشگاه راجع به توضیح تبصره ماده ۳۸ قانون بودجه ۱۳۲۸

رئیس - با عرض تشکر از هیئت محترم ملی استنباط موافق است چون مرجع صانع برای توضیح قوانین مجلس شورای ملی است مراتب بدین وسیله باستحضار خاطر محترم میرسد و تمنی دارد استنباط خود را از کلمات «حقوق خود» مندرج در تبصره ماده ۳۸ قانون بودجه ۱۳۲۸ برای مزید اطلاع به دانشگاه و وزارت دارائی اعلام فرمائید.

با تقدیم احترامات فائقه

رئیس دانشگاه - دکتر علی اکبر سیاسی

رئیس - چون اینجا يك اختلافی حاصل شده که آیا فقط حقوق داده شود یا آن مزایائی هم که در ماده دریافت میکنند این است که از مجلس استفسار کرده اند.

آقای ملک مدنی

در اثر پیشنهاد بنده در ۱۳۲۸ بوده آقایانی که بودند در آن موقع بغاظر دارند که آن پیشنهاد را خود بنده تقدیم کردم و نظر بنده هم این بود که حقوق و مزایا باشد زیرا حقوق که گفته شده مجموعه دریافتی شخصی است که در آنجا هم استادان دانشگاه در راه دریافت میکنند و باین جهت بنظر بنده مجلس شورای ملی باین نظر موافق است زیرا حقیقتاً اساتید و اشخاصی که در دانشگاه کار میکنند مورد احترام همه مجلس همیشه بوده اند و حقانم باید اینها هر چند سال یکدفعه بخارج بروند تا همانطوریکه از دانشگاه نوشته شده اساتید بتوانند خودشان را با وضعیت علوم جدید آسان کنند و مورد استفاده قرار بگیرند بنده هم در موقع تقدیم پیشنهاد نظر همین بود و حالا هم نظر خودم را توضیحاً عرض کردم

رئیس - فقط بدون خرج سفر و فوق العاده آقای دکتر سید امامی موافقت؟

دکتر سید امامی - موافقت

مجلس - این را باید وزارت فرهنگ نظر بدهد

مکرر گفته ام آقای دکتر ما با حرکت تعارضی طرف مامله بوده ایم نه با دولت انگلیس و حاکماتی بینیم که شما اینکار را از صورت اولیه خارج ساخته ما را با دولت انگلیس و دولت امریکا طرف ساخته اید چه حق دارند دیگران در امور داخلی ایران مداخله کرده و بکنند خداوند خودش تفصل فرماید ملت ایران را از اشتباهات شما مستخلص سازد این بوی من است این خوی من است این سویم من است این گفته من است این کرده من است من از اسباب شامه و ارحام مطهره هزار نفر را بی خانمان و قاندهستی کرده و تصور می شود این جریان باین سادگی نبوده اولاً از دولت تقاضا داریم و شدیداً می خواهیم هر چه زودتر رسیدگی دقیقی در این موضوع کرده نتیجه را بعرض مجلس شورایی برساند. ثانیاً با عرض تشکر از هیئت محترم شیر خورشید سرخ که کمک هائی فرموده اند از پیشکبانه مبارک اعلی حضرت همایون شاهنشاهی و نمایندگان محترم و هیئت دولت و عموم ملت ایران استنداد میکنم که هر چه زودتر با تمام وسایل ممکنه کمک و مساعدت باین بی خانمانها و از هستی ساقط شده ما بفرمائید ضمناً تلگرافی رسیده که به مقام ریاست تقدیم می کنم

(۵) قرائت نامه دانشگاه راجع به توضیح تبصره ماده ۳۸ قانون بودجه ۱۳۲۸

رئیس - با عرض تشکر از هیئت محترم ملی استنباط موافق است چون مرجع صانع برای توضیح قوانین مجلس شورای ملی است مراتب بدین وسیله باستحضار خاطر محترم میرسد و تمنی دارد استنباط خود را از کلمات «حقوق خود» مندرج در تبصره ماده ۳۸ قانون بودجه ۱۳۲۸ برای مزید اطلاع به دانشگاه و وزارت دارائی اعلام فرمائید.

با تقدیم احترامات فائقه

رئیس دانشگاه - دکتر علی اکبر سیاسی

رئیس - چون اینجا يك اختلافی حاصل شده که آیا فقط حقوق داده شود یا آن مزایائی هم که در ماده دریافت میکنند این است که از مجلس استفسار کرده اند.

آقای ملک مدنی

در اثر پیشنهاد بنده در ۱۳۲۸ بوده آقایانی که بودند در آن موقع بغاظر دارند که آن پیشنهاد را خود بنده تقدیم کردم و نظر بنده هم این بود که حقوق و مزایا باشد زیرا حقوق که گفته شده مجموعه دریافتی شخصی است که در آنجا هم استادان دانشگاه در راه دریافت میکنند و باین جهت بنظر بنده مجلس شورای ملی باین نظر موافق است زیرا حقیقتاً اساتید و اشخاصی که در دانشگاه کار میکنند مورد احترام همه مجلس همیشه بوده اند و حقانم باید اینها هر چند سال یکدفعه بخارج بروند تا همانطوریکه از دانشگاه نوشته شده اساتید بتوانند خودشان را با وضعیت علوم جدید آسان کنند و مورد استفاده قرار بگیرند بنده هم در موقع تقدیم پیشنهاد نظر همین بود و حالا هم نظر خودم را توضیحاً عرض کردم

رئیس - فقط بدون خرج سفر و فوق العاده آقای دکتر سید امامی موافقت؟

دکتر سید امامی - موافقت

مجلس - این را باید وزارت فرهنگ نظر بدهد

نمایندگان - بفرمائید

نورالدین امامی - مخالفین

نیت آقای رئیس اجازه بفرمائید صحبت بشود

رئیس - مخالفین نیست بفرمائید

اسلامی - پس اجازه بفرمائید

هر کس می خواهد صحبت بکند بکنند تمام چهار بهماز ظهر هشتیم همه صحبت هارا گوش میکنند.

رئیس - آقای بهادری تامل کنید

برای اینکه سابقه نشود اجازه بفرمائید من رای بگیرم

امامی اهری - مقام ریاست این اختیار را دارند که اجازه بدهند

رئیس - من می خواهم رای بگیرم تا سابقه نشود که دیگر کاری در مجلس نشود کرد

نورالدین امامی - ۶۹ نفر

در جلسه موافقت

رئیس - با این حال رای می گیریم

این سابقه را نمی گذارم که باعث اختلاف مجلس می شود (پس از لحظه ای همه برای رای کفای شد) آقایانیکه موافقت و حشنتاکی برای این ملت و مملکت دیده اند در خانه صریحاً می گویم مثل اینکه

(۳) تصویب صورت جلسات ۹ و ۱۷ شهریور

رئیس - چون همه برای رای کفای است تصویب صورت جلسات ۹ و ۱۷ شهریور اعلام میشود

(۴) بیانات آقای بهادری راجع به بحریق میانه

رئیس - آقای بهادری

بهادری - بنده خیلی از اظهار لعف آقایان مستحکم البته آقایان نمایندگان محترم از واقعه دلخراش و حریق شهر میانه استعظا دارند این حریق شوم چندین هزار نفر را بی خانمان و قاندهستی کرده و تصور می شود این جریان باین سادگی نبوده اولاً از دولت تقاضا داریم و شدیداً می خواهیم هر چه زودتر رسیدگی دقیقی در این موضوع کرده نتیجه را بعرض مجلس شورایی برساند. ثانیاً با عرض تشکر از هیئت محترم شیر خورشید سرخ که کمک هائی فرموده اند از پیشکبانه مبارک اعلی حضرت همایون شاهنشاهی و نمایندگان محترم و هیئت دولت و عموم ملت ایران استنداد میکنم که هر چه زودتر با تمام وسایل ممکنه کمک و مساعدت باین بی خانمانها و از هستی ساقط شده ما بفرمائید ضمناً تلگرافی رسیده که به مقام ریاست تقدیم می کنم

(۵) قرائت نامه دانشگاه راجع به توضیح تبصره ماده ۳۸ قانون بودجه ۱۳۲۸

رئیس - با عرض تشکر از هیئت محترم ملی استنباط موافق است چون مرجع صانع برای توضیح قوانین مجلس شورای ملی است مراتب بدین وسیله باستحضار خاطر محترم میرسد و تمنی دارد استنباط خود را از کلمات «حقوق خود» مندرج در تبصره ماده ۳۸ قانون بودجه ۱۳۲۸ برای مزید اطلاع به دانشگاه و وزارت دارائی اعلام فرمائید.

با تقدیم احترامات فائقه

رئیس دانشگاه - دکتر علی اکبر سیاسی

رئیس - چون اینجا يك اختلافی حاصل شده که آیا فقط حقوق داده شود یا آن مزایائی هم که در ماده دریافت میکنند این است که از مجلس استفسار کرده اند.

آقای ملک مدنی

در اثر پیشنهاد بنده در ۱۳۲۸ بوده آقایانی که بودند در آن موقع بغاظر دارند که آن پیشنهاد را خود بنده تقدیم کردم و نظر بنده هم این بود که حقوق و مزایا باشد زیرا حقوق که گفته شده مجموعه دریافتی شخصی است که در آنجا هم استادان دانشگاه در راه دریافت میکنند و باین جهت بنظر بنده مجلس شورای ملی باین نظر موافق است زیرا حقیقتاً اساتید و اشخاصی که در دانشگاه کار میکنند مورد احترام همه مجلس همیشه بوده اند و حقانم باید اینها هر چند سال یکدفعه بخارج بروند تا همانطوریکه از دانشگاه نوشته شده اساتید بتوانند خودشان را با وضعیت علوم جدید آسان کنند و مورد استفاده قرار بگیرند بنده هم در موقع تقدیم پیشنهاد نظر همین بود و حالا هم نظر خودم را توضیحاً عرض کردم

رئیس - فقط بدون خرج سفر و فوق العاده آقای دکتر سید امامی موافقت؟

دکتر سید امامی - موافقت

مجلس - این را باید وزارت فرهنگ نظر بدهد

مردانند (حقوق و مزایا) بدستاله بردارند بدین است این بول باید به از قابل مصرف در کشوری که برای مطالعه انتخاب میکنند تبدیل شود برای تأمین این منظور تبصره ۳۸ ماده ۲ قانون بودجه ۱۳۲۸ کشور چنین مقرر می دارد دانشگاه تهران می تواند با تصویب شورای دانشگاه و بر طبق مقرراتی که وضع می نماید برای يك پانصد سال به دانشجویان و استادان و رؤسای درمانگاهها اجازه دهد که فقط با حقوق خود که به از تبدیل می شود برای مطالعه و تکمیل معلومات خود بخارج بروند دانشگاه از عبارت قانون اینطور استنباط میکند که اساتیدان از دریافت هزینه سفر و فوق العاده مسافرت محروم خواهند بود ولی مجموع آنچه از دانشگاه در مقابل خدمت دریافت میدارند (حقوق و مزایا) بآنان قابل پرداخت و قابل تبدیل به ارز میباشد و خزانه داری کل هم باین استنباط موافق است چون مرجع صانع برای توضیح قوانین مجلس شورای ملی است مراتب بدین وسیله باستحضار خاطر محترم میرسد و تمنی دارد استنباط خود را از کلمات «حقوق خود» مندرج در تبصره ماده ۳۸ قانون بودجه ۱۳۲۸ برای مزید اطلاع به دانشگاه و وزارت دارائی اعلام فرمائید.

با تقدیم احترامات فائقه

رئیس دانشگاه - دکتر علی اکبر سیاسی

رئیس - چون اینجا يك اختلافی حاصل شده که آیا فقط حقوق داده شود یا آن مزایائی هم که در ماده دریافت میکنند این است که از مجلس استفسار کرده اند.

آقای ملک مدنی

در اثر پیشنهاد بنده در ۱۳۲۸ بوده آقایانی که بودند در آن موقع بغاظر دارند که آن پیشنهاد را خود بنده تقدیم کردم و نظر بنده هم این بود که حقوق و مزایا باشد زیرا حقوق که گفته شده مجموعه دریافتی شخصی است که در آنجا هم استادان دانشگاه در راه دریافت میکنند و باین جهت بنظر بنده مجلس شورای ملی باین نظر موافق است زیرا حقیقتاً اساتید و اشخاصی که در دانشگاه کار میکنند مورد احترام همه مجلس همیشه بوده اند و حقانم باید اینها هر چند سال یکدفعه بخارج بروند تا همانطوریکه از دانشگاه نوشته شده اساتید بتوانند خودشان را با وضعیت علوم جدید آسان کنند و مورد استفاده قرار بگیرند بنده هم در موقع تقدیم پیشنهاد نظر همین بود و حالا هم نظر خودم را توضیحاً عرض کردم

رئیس - فقط بدون خرج سفر و فوق العاده آقای دکتر سید امامی موافقت؟

دکتر سید امامی - موافقت

مجلس - این را باید وزارت فرهنگ نظر بدهد

اینکه دانشگاه طب نیست که باید يك دستگامی باشد بکنده اساتید حاضر باشند ولا بر اتوار های مخصوصی لازم باشد این جا اتفاقاً قسمت عمده کور دکتر بیشتر مربوط می شود به قوانین اسلامی و در ایران هم شاید فقهای اسلامی از تمام کشورهای دیگر بیشتر باشند ولی چون عنوان دکتر دارند نمی خواهند دیگران تحصیل بکنند خیلی خوب اسم دکتر هم روی آنها بگذارد قانونی بگذرانید که حیطه تحصیل بچرخش نمی تواند دکتر باشد و عنوان دستگری داشته باشد اما راه تحصیل را باز کند به این جهت مخالفم که الان چهار سال است که اینجا فریاد می کشیم دانشگاه که بیاید اینجا رسیدگی بکنند راه تحصیل را باز کنید کسی توجه نمی کند ولی الان يك کاری که مربوط بخودشان است چون منافع خودشان بخاطر افتاده و می خواهند بروند با اروپا حقوق بخوانند بر گردند حتماً می گویند باید مجلس تصویب کند که يك مبلغ اضافی هم بآنها داده شود بنده عقیده ام این است که باید این برود بکمیسیون رسیدگی بکنند بیاید اینجا مخالف و موافق صحبت کنند بعد رای داده بشود

مجلس - اصلاً باید وزیر فرهنگ این تقاضا را بکنند باید وزیر فرهنگ اینجا باشد

دانشگاه حق مکاتبه مستقیم ندارد

رئیس - بر طبق آیین نامه مطالبی که لازم باشد با اطلاع مجلس برسد میرسد و اگر محتاج بیعت باشد رای مجلس مورد بیعت قرار می گیرد (صحیح است) يك اشکالی برای دانشگاه پیدا شده باید این اشکال رفع بشود آقایان اگر موافقت حالا مطرح می شود و رای گرفته می شود والا می ماند برای بعد

بعضی از نمایندگان - باید وزیر فرهنگ باشد

رئیس - وزیر فرهنگ مربوط نیست دانشگاه استقلال دارد حالا برای اینکه مورد بحث باشد رای می گیریم (دکتر کیان - بماند برای اول جلسه بعد حالا عمده هم برای رای کافی نیست) ممکن است آقایان در نظر بگیرند اول جلسه آینده مورد بحث قرار گیرد که آقایان هم ذهنشان حاضر باشد و بتوانند اظهار نظر موافق یا مخالف بکنند آقای فرامرزی اجازه نطق خواسته اند آقای فرامرزی بفرمائید

(۶) بیانات آقای فرامرزی بعنوان ماده ۹۰ آیین نامه

فرامرزی - آقایانی که معتقد هستند که رای دولت در مجلس کافی نیست می تواند استنباط بکنند و دولت تقاضای رای اعتماد خواهد کرد (بعضی از نمایندگان - یعنی چه؟) فرمودند رای که در مجلس سنا بدون داده شده صحیح نبوده...

رئیس - حالا موقع این صحبت

نیست سنا خودش يك مقرراتی دارد چه بر می
فراهرزی - عرض کردم و کابل
 مجلس شورای ملی که متذکر است دولت را،
 ندارد می تواند استیضاح کند این دیگر
 توضیح ندارد و باو مربوط نیست که کجا
 رأی دست است کجا دست نیست عرض
 کنم که چون بنده در واقعه حق دوامد ۹۰
 دارم که ماده ۱۱۶ می شود (بعضی از
 نمایندگان - ۱۸۰) راجع بفرمایش
 آقای دکتر مصدق هم می خواستم عرض کنم
 ولی حالا عرض نمی کنم ولی فقط راجع
 به جناب آقای مشار من منتهای تأسف را
 دارم که واقعاً نتوانستم اعصابم را حفظ کنم
 و این قضیه بیش آمد و جناب آقای دستکتر
 مصدق اظهار لطف فرمودند و اگر آقای
 مشار و بنده باهم بخواهیم معاویه کنیم او
 از من طلبکاری می شود برای اینکه من بیش
 از در واقع خارج شدم از حدود آنچه که يك
 انسان عاقل باید خودش را نگاهدارد این
 است که من بسیار متأسفم يك مطالب را هم
 می خواستم از جناب آقای معاون وزارت
 جنگ بی رسم که سر لشکر معتضدی مطابق
 چه ماده ای از چه قانونی مسئول است فرماید
 ذخائرش آتش بگیرد که بعد مسئول بشود
 من تصور نمی کنم يك آدم عاقلی این کار را
 بکنند مخصوصاً که اومی گوید که من نامه های
 بسیاری نوشته ام و تلگرافاتی کرده ام که
 گذاشتن این ذخائر در اینجا خطر دارد این
 را من برای يك کسی که الان در مجلس
 است و دستش از همه جا کوتاه است يك
 تذکری بدهم و همچنین يك سر لشکر
 دیگری هم هست با اسم مظایر راجع باو هم
 همین توضیح را می خواهم عرض کنم که
 من با اجازه ای که همیشه نسبت بعلق های قبل
 از دستور داده میشود از لحاظ اصول اعتراض
 دارم مجلس وقتی يك آیین نامه ای نوشت
 و در آیین نامه گفت که فقط بکربع میشود
 حرف زد دقیقه بدقیقه نباید خلاف آیین نامه
 رفتار کند (نورالدین امامی - آقای فرامرزی
 همان آیین نامه اجازه داده مگر با اجازه
 مجلس) اگر اجازه داده پس عرضی ندارم
 عرض میکنم لعنت سیاست که حتی بین
 دوستان کار بجایی می کشد که موجب قطع
 دوستی می شود حتی ممکن است بمبدل بخلاف
 دوستی هم بشود آقایان اشاره باشعبارات
 کردند جناب آقای تیمورتاش هم جناب
 آقای صفائی گفتند چون آقای فرامرزی
 وکیل طبیعی است و این را مسخره کردند
 (صفائی - چنین چیزی نبود مسخره نکردیم)
 این پرونده من را که تمام تلگرافاتش بر
 علیه من است این را پروید بخواهید يك شب
 قبل از اینکه اینها را بکشند مرحوم دانش از

صورتی کمی توانست قبول کند و صدها هزار
 لیره استفاده کند وزیر بار ترقت یسر این
 آدم باید بروی شیر نقت را ببندد، این که
 همیشه کینه بخلاف آنچه که عقیده اش است
 و بخلاف آنچه که رویه اش است و بخلاف
 آنچه رویه پسرش بوده و پدرش روی آن
 فرماشته من تأسف می خورم که ندادن سیاسی
 با وزیران سیاسی بطور جوانان يك و
 بی آلاش را پیدا می کنند و احساسات
 آنها را تحریک می کنند و آنها را می برند
 آنچه ای که خودش می دانند بسر حلقه
 خطرناکی رسیده است تیمور تاش منزله از
 این است که نسبت اجنبی پرستی بهش بچسبید
 منزله از این است که خیانت بمملکت بهش
 بچسبید و من هم منزله از این هستم که یکسانی
 که می دانم مردم يك و شریف هستند نسبت
 اجنبی پرستی با خیانت یا مز دوری بدهم
 فرمودند اقترا - نهتم - این صحیح است
 ولی آقایان انصاف بفرمائید این نهتم و
 اقترا و فحاشی فقط از یک طرف است ؟ شما
 روزنامه های مخالف دولت را نمی خوانید ؟
 مگر این فحش های عرضی و ناموسی که هیچ
 چاربا داری حاضر نیست اگر يك قدری
 عزت نفس و ممانعت طبع داشته باشد بزبان
 بیارد اینها بزبان قلم می آوردند و بد کتر
 مصدق و دولت و تابعش و طرفدارانش از
 این چیزها می گویند (صفائی - مربوط
 باقلیت نیست) البته بسیار جای تأسف است
 ولی يك طرفه نیست آقایان . و شما می دانید
 که دکتر مصدق شخصی نیست که بیاید
 روزنامه ها را تحریک بکنند و بفحاشی و ادا
 کند شما که می دانید چرا گناه دیگران را
 بگردن او باز می کنید؟ (صفائی - اورئیس
 دولت است که باید جلو گیری کند) او هم در
 حدود قدرت و امکان و قانون می تواند جلو
 گیری بکند بیشتر که نمی تواند بکند و متأسفم
 از اینکه آقای تیمورتاش استفا دادند از
 دو جهت : یکی از اینکه يك عضو شریف
 يك باایمانی (صحیح است) که دوست مام
 هست از مجلس برود و استدها می کند جناب
 آقای رئیس این را قبول نکنند دوم اینکه
 اگر ایشان در راه عقیده شان مبارزه می کند
 راهشان را صحیح می دانند همینطور جلو
 بروند و اگر اینطور نیست بر گشتن از
 خطا که عیب نیست ادامه دادن بخلاف اعلام به این
 که خطاست عیب است من خودم در همین قضیه
 نفت کتاچه نفت هست - من در کمسیون
 نفت معارضه کردم با دکتر مصدق ، مباحثه
 کردم با دکتر مصدق ، مجادله کردم با دکتر
 مصدق بعد که قانع شدم قبول کردم و رفتم
 دنبالش - اینکه عیب نیست وقتیکه آدم
 اول خیال میکند این راه خوب است ، بعد نگاه
 میکند می بیند این راه بهتر است چه عیبی
 دارد بر گردد ایشان بیایند اینجا اگر این
 مبارزه را مفید می دانند ادامه بدهند و اگر

است) و عده زیادی از مشولین را تکلیفشان را
 معین می کند و یکی هم راجع بعلق قبل
 از دستورات که آقایان تقاضا میکنند
 که هر نامه ای پنج دقیقه از وقتش را
 بتواند بدیگری بدهد بدون اینکه تمام
 مدت نطق قبل از دستورات سه ربع ساعت تجاوز
 بکند حالا اگر آقایان موافق باشند فوریت
 لایحه مسلولین را مطرح کنیم چون اینها
 قبل اعلام کرده بودیم لایحه - قرائت
 می شود
 (شرح زیر قرائت شد)
 مجلس شورای ملی: بطوریکه استعمار
 دارند چند سال متوالی است کار گران
 مسلول کشور شکایات زیادی بوسیله مراجع
 و پرداخت دستزد ایام بیماری و سایر
 مزایای خود تقدیم داشته اند . برای
 رسیدگی بشکایات مکرر آنها کمیسیون
 های متعددی تشکیل گردیده طبق
 بررسیها و مطالبات فنی که نسبت باین موضوع
 بعمل آمده معلوم شده است در آمد صندوق
 تعاون و بیمه کار گران که مجموعاً شش
 درصد دستزد و مزایای کار گرانست
 تکافوی کلیه وظائف مصرحه را که به
 موجب مواد ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ قانون کار عبارت از:
 ۱- حوادث و امراض ناشی از کار
 ۲- حوادث و امراض غیر ناشی از کار
 ۳- بیماری
 و امراض خانواده بلا فصل کار گر ۴- بیری
 و از کار افتادگی کار گر ۵- ازدواج و
 حاملگی - عائله متصدی و وضع حمل و هزینه
 کن و دفن و کمک بیامانندگان قانونی کار گر
 در موارد مسرت و استیصال ۶- کمک بکار
 گران اخراجی ۷- مرخصی زنان باردار می باشد
 نخواهد نمود و بنیه مالی این دستگاه قادر
 نخواهد بود هزینه کمربشکن بیماری خانمان
 سوز - ل را که متأسفانه بجهت اقتصادی
 و بهداشتی رویه نزیاد است انجام دواز همین
 نظر است که تاکنون با وجود کوشش
 و مجاهدت فراوان موضوع شکایات
 کار گران مسلول لاینحل مانده و وجبات
 نارضایتی آن هسا فراهم گردیده
 است .
 چون اصولاً برای دستگیری و حمایت

۷- بیانات آقای رئیس

راجع به آقای مشار وزیر

بست و تلگراف

رئیس - خاطر آقایان محترم مستحض
 است که در چند جلسه قبل در موقعی که
 آقای مشار بیاناتی می کردند يك سوء تفاهم
 و سوء تصادفی رخ داد که مایه تأسف
 بنده و اکثریت نمایندگان گردید . آقای
 یوسف مشار از رجال میهن دوست و يك
 فاضل این کشور هستند و مورد اعتماد می
 باشند (صحیح است) بنده خیلی مسرورم
 که آقای فرامرزی توضیحی را که لازم بود
 در این باب اظهار کردند.

۸- طرح فوریت

لایحه راجع به کمک

کارگران مسلول

رئیس - مطالبی که در دستور داریم
 یکی راجع بفوریت است مربوط بلایحه
 کمک به مسلولین که آقای وزیر عکار
 داده اند ، یکی بخشودگی نظام وظیفه
 است که یکی از قوانین خوب است (صحیح

کار گران مسلول وضع و ایجاد قانون
 منصوصی ضروری می باشد باینجهت لایحه
 قانون حمایت و معالجه کار گران مسلول
 را که برای این نظر تهیه گردیده تقدیم
 داشته و باقی دو نورت تقاضای تصویب
 آن را می نمایند
 لایحه قانون حمایت و معالجه کار گران
 مسلول :
 ماده ۱- از تاریخ تصویب این قانون
 کاپه کارفرمایان و موسسات اقتصادی
 بازرگانی صنعتی و معدنی - پاربری راجع
 راه آهن و بطور کلی هر موسسه ای که مشمول
 مقررات قانون کار می شود مکلفند علاوه
 بر چهار درصد دستزد در ماده ۱۶ قانون
 کار معادل يك در صد دستزد و مزایای
 کار گران خود را بمنظور حمایت و
 معالجه کار گران مسلول بر ترتیب نگاهداری
 از آنها بصندوق تعاون و بیمه کار گران
 بپردازند
 تبصره ۱ - وزارت کار آیین نامه ای
 برای اجراء این قانون و طرز رسیدگی
 بتلغات آن تهیه و پس از تصویب هیئت
 وزیران بموقع اجراء خواهد گذاشت
 تبصره ۲ - این قانون شامل کار-
 گرانی که از تاریخ اول سال ۱۳۲۹ مسلول
 شده و بیماری آنها ناشی از کار تشخیص
 داده شده و به هزینه شرکت سهامی بیمه ایران
 در آسایشگاه تحت معالجه بوده اند نیز
 خواهد بود .
 ماده ۲ - عدم تأدیه و تأخیر پرداخت
 يك درصد مذکور در ماده ۱ در موعد مقرر
 مستلزم پرداخت جریمه معادل دو برابر
 مبلغ اصل و در صورت تکرار معادل چهار
 برابر مبلغ اصل در هر مورد خواهد بود
 که بقع صندوق تعاون و بیمه کار گران
 اشد و محسوب خواهد شد .
 ماده ۳ - وزارت کار مأمور اجراء
 این قانون میباشد
 رئیس - فوریت این لایحه مطرح
 است آقای نورالدین امامی مخالفند ؟
 (امامی - مخالفم بفرمائید .
 نورالدین امامی - عرض کنم
 که بدبختانه جناب آقای وزیر کار خیلی

مورد احترام و علاقه من بود و هیئت خواهد
 بود - ایشان يك مرد وطن پرست هستند و
 علاقه بمملکت دارند من همیشه با ایشان
 خیلی ایمان داشته ام امیدوارم تا آخر هم
 به همین چشم ایشان را نگاه بکنم اما من يك
 استدعائی دارم که اگر این استدعای من
 را عمل بکنند آن بدبختانه را بر می دارم
 و خوشبختانه می گذارم و آن استدعی من
 اینست که ایشان مدتی از این جریان و
 این سر و صدای نفت بکنار بروند
 و يك قدم برای کار مملکت که
 همین کار مسلولین است بردارند
 ایشان سالها این بنگاه مسلولین را هم
 اداره می کردند آقایان بهترین نقاط
 مملکت ما یعنی خوش آب و هوا ترین
 نقاط ایران آذربایجان است و الان می
 خواهم ادعا کنم که يك خسر اهالی آذربایجان
 مسلولند (صحیح است) و بدبختانه چون
 وسایل کار مثل سایر نقاط ایران ندارند
 نمی توانند تشخیص بدهند تا مدتی چند
 ماه که می گذرد بهما تشخیص می دهند و می
 آیند این جا - هر روز بیست نفر می نفر
 آذربایجانی می آیند در منزل برای این
 که بفرضیم آنها را با آسایشگاه برای
 معالجه مرض سل نیست که بنده با این قانون
 مخالفم و تقاضا می کنم آقای وزیر کار این
 قانون را پس بگیرند و يك قانون بیارند
 که صدی يك یا صدی دواز تمام حقوق بگیر
 های دولت کسربکنند و در تمام نقاط خوش
 آب و هوای ایران بیمارستان بسازند آقا
 بالین کمی جمعیت با این کمی زاد و ولد و با
 این مرض پدر سوخته خانمان بر انداز
 که از گرسنگی از فقر - از بیچارگی
 تولید شده اگر با این وضع پیش برود چند
 سال دیگر پنجاه درصد ملت ایران مسلول
 خواهد شد اینست که بنده علت مخالفتم را عرض
 میکنم که این را عمومیت بدهید برای تمام
 مملکت و در تمام نقاط خوش آب و هوای
 ایران مریضخانه برای مسلولین بسازید و
 اگر بر وجه هم ندارند از حقوق های ما
 از حقوق تمام مستخدمین کسربکنند
 رئیس - آقای کشاورز صدر
 کشاورز صدر - جناب آقای نور-
 الدین امامی همکار عزیز بنده مخالف با
 این لایحه نبودند نهایت فرمودند که نسبت
 بنام افراد مملکت يك فکری بشود این
 هم بجای خودش صحیح است اما در این
 لایحه اگر عنایت بفرمودند ملاحظه میشد
 پارسیکه کارفرمایان میبایستی برای کار گرانی
 که در کارخانه آنها هستند يك مبلغی
 برای سلامت مزاج آنها بدهند و جناب
 آقای وزیر کار که یکی از بهترین کار
 دانیان تقدیم همین لایحه است این نظر
 را خواسته اند تا همین بکنند و ما میبایستی
 عقیده داشته باشیم وقتی می شود کارگر
 را از مسلول شدن نجات داد بیا به نفع کرد
 این را متوقف بکنیم بگوئیم اگر در
 تمام نقاط مملکت وسایل فراهم نشود
 که مسلولین را معالجه بکنند و جلو گیری
 نکنند این هم باشد و عملی نشود ما هر
 جا که دستمان میرسد کار خوبی مقدور است
 باید اقدام بکنیم و موافقت کنیم که دولت
 انجام بدهد و در صدر باشد و در نظر
 هم باشد که بعداً تأمین نظر آقای امامی
 را نسبت بسایر مملکت هم بکنند آقایان
 میدانند که وضع کار گران این مملکت از
 نقطه نظر سیاسی يك صورتی دارد که
 نهایت ضرورت را دارد که دولت هر چه
 بتواند راجع باین صنف از مردم کمک و
 همراهی بکند و تشویق بکنند آنها را
 زیرا آنها ای که می توانند استقلال مملکت
 را حفظ بکنند همین دسته و کشاورزان
 و فلاحین هستند که در خارج زحمت می
 کشند علیه ما من استدها می کند از عموم
 آقایان رفقا که قطعاً خودشان هم همین
 نظر را دارند که باین فوریت رای بدهند
 بلکه بتوانیم انشاء الله يك قدمی برای
 کار گر ها برداریم
 (جمعی از نمایندگان - عده کافی نیست)
 (۹) تعیین موقع و دستور
 جلسه بعد - ختم جلسه
 رئیس - چون عده در بیرون هم
 کافی نیست وقت هم منقضی شده جلسه را
 ختم میکنم جلسه آینده روز سه شنبه خواهد
 بود دستور بقیه مذاکره در فوریت این
 لایحه و سایر لوابیجی که گفته شد
 (مجلس ۲۰ دقیقه بعد از ظهر ختم شد)
 رئیس مجلس شورای ملی - رضا حکمت

تصویب نامنامه

هیئت وزیران در جلسه مورخ هفتم شهر یور ماه ۳۳۰ نظر به پیشنهاد شماره ۵۵۳۱ وزارت کار مقررات مربوط به (طرز انتخابات نماینده کارگران- کارفرمایان در کمیسیون سازش و شورای توافق) را که مشتمل بر ۵ ماده است و بموجب ماده ۱۳ قانون کار مصوب ۱۷ خرداد ۳۲۸ از طرف وزارت کار تهیه و تصویب شورای عالی کار رسیده تصویب نمود

تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است
م ۵۴۰۰
نخست وزیر
طرز انتخاب نماینده کارگران و کارفرمایان در کمیسیون سازش و شورای توافق
قسمت اول- انتخاب نماینده کارگر

- ماده ۱- شرایط انتخاب کننده (اعم از مرد یا زن)
- ۱- هجده سال تمام داشته باشد
 - ۲- تبعه ایران باشد
 - ۳- کارگر کارگاهی باشد که در آن رای میدهد
- ماده ۲- شرایط انتخاب شونده
- ۱- لااقل سی سال تمام داشته باشد
 - ۲- تبعه ایران باشد
 - ۳- دارای سواد خواندن و نوشتن باشد
 - ۴- منتسب بسازمانها و احزاب غیر- قانونی نبوده و محکومیت جزائی نداشته باشد
 - ۵- داوطلب نمایندگی کارگران نباید

فعالیت های سیاسی در داخل کارخانه و کارگاه بنماید متخلف است. است کارخانه و حق رای دادن و انتخاب شدن و انتخاب کردن محروم خواهد بود.

- ۶- داوطلب نمایندگی نباید سابقه ایجاد اعتصاب غیرقانونی داشته باشد که در این صورت نیز از حق انتخاب شدن- انتخاب کردن محروم خواهد بود
- ۷- لااقل دو سال سابقه کارگری در کارگاه مربوطه داشته باشد
- ۸- لااقل ده درصد از کارگران کارگاه تمایل خود را نسبت به نمایندگی داوطلب کتباً اعلام نموده باشد
- ۹- هر شخصی که دارای شرایط فوق باشد میتواند خود را داوطلب انتخاب معرفی نموده و لااقل یک هفته قبل از آغاز انتخابات با تسلیم ورقه تمایل کارگران موضوع (بند ۸) داوطلب بودن خود را با اداره کار محل اعلام نماید داوطلب بایستی نیز بريك عدم سوء سابقه جزائی را از مقامات قضائی تحصیل و با اداره کار تسلیم نماید و اداره کار نیز نسبت بسوابق داوطلب رسیدگی نموده و اوراق مربوطه را در پرونده اوضبط می کند
- ۱۰- انتخابات در کارگاه بایستی سه هفته قبل از آغاز اعلام شود تا داوطلب بتواند خود را با اداره کار محل معرفی نماید
- ۱۱- نام داوطلب يك هفته قبل از آغاز انتخابات هر کارگاه بایستی در محل کار نصب شود
- ماده ۳- طرز انتخابات- هیئت نظارت انتخابات از اشخاص زیر تشکیل میشود : فرماندار یا نماینده او - رئیس اداره کار محل یا نماینده او- دو نفر نمایندگان

کارگر (بانتهاب و تشخیص اداره کار محل) دو نفر نماینده کارفرما تبصره ۱- هیئت نظارت يك هفته قبل از شروع انتخابات اعلامی بایستی بر ساعت ورود شروع انتخابات تهیه و با اطلاع کارگران کارگاه مربوطه خواهد رسانید. تبصره ۲- دادن رای مخفی بوده و کارگران باید قبل از رای خود را در روی کاغذی بسته با حضور هیئت نظارت در صندوق رای بیندازند

تبصره ۳- پس از اتمام اخذ رای بلافاصله قرائت آراء شروع و اگر قرائت در يك جلسه تمام نشود صندوق رای از طرف هیئت نظارت مهر و موم و تا جلسه آتی در محلی امنی نگاهداری خواهد شد حضور داوطلبان در موقع باز کردن صندوقها و شماره و قرائت آراء آزاد است. پس از قرائت آراء نتیجه انتخابات در صورت مجلسی که با مضای هیئت نظارت خواهد رسید در سه نسخه تنظیم و خلاصه آن در جایگاه آگهی های کارگاه نیز اعلام میشود اوراق رای تا يك هفته پس از اعلام نتیجه انتخابات محفوظ و سپس بسوسله انجمن نظارت معدوم خواهند شد و نیز نتیجه انتخابات در دفاتر محلی و مرکزی ادارات کار ثبت خواهد گردید و اعتبار نامه از طرف اداره کار محل صادر خواهد گردید

قسمت دوم - انتخاب نماینده کارفرما
ماده ۴- کارفرما شخصاً در شورای کارگاه حاضر یا نماینده ای از طرف خود انتخاب و کتباً معرفی خواهد نمود.
ماده ۵- اعتبار نمایندگی نمایندگان فوق از تاریخ تشکیل اولین جلسه شورای

کارگاه برای مدت یکسال خواهد بود مگر اینکه دو سوم کارگران کتباً تغییر نمایند خود را از اداره کار محل تقاضا نمایند در مورد تغییر نماینده کارفرما هم بایستی توسط کارفرما کتباً با اداره کار محل اطلاع داده شود در این صورت نمایندگان جدید برای بقیه مدت بطریق فوق انتخاب خواهند شد

مجلس شورای عالی

مقام محترم ریاست معظم مجلس شورای ملی
با کمال احترام مستدعی است مقرر فرمائید از جناب آقای وزیر جنگ دعوت بعمل آید که در مجلس حضور یافته و در جواب سؤال بنده نتیجه تحقیقاتی که در علل وقوع حادثه انفجار انبار مهمات شیراز بعمل آمده است توضیح فرمایند
برای مزید توضیح چون بنده یکی از موافقین جدی دولت حاضر می باشم سؤال فوق هیچگونه جنبه حمله و مخالفت نخواهد داشت خاصه که حادثه نامبرده در زمان دولت حاضر نبوده است ولی نظر باینکه ضمن سؤال و جواب های سابق دولت وعده کرده بود نتیجه تحقیقات را بعداً با اطلاع مجلس برساند و مردم شیراز انتظار دارند که بعمل وقوع حادثه بهتر آگاهی یابند البته توضیحات جناب آقای وزیر جنگ موجب امتنان عموم خواهد گردید
رضوی نماینده فارس